



تعطیلات سال نو فرصت خوبی برای مسافرت‌های تفریحی، سیاحتی و زیارتی بود. شاید شما هم جزء افرادی بوده باشید که بخشی از تعطیلات نوروز را به سفر رفته‌اید. برخی از شما برای سفر...

کمی یا کیفی؟! مسئله این است

خانواده‌ها سالیان طولانیست که فرزندان خود را با رویکرد رفتارگرایی بار آورده‌اند، اگر فرزندان کار خوبی انجام داد به او پاداش می‌دهند و اگر کار خطایی مرتکب شد او را تنبیه می‌کنند. بنابر این ارزشیابی توصیفی که میل به شناخت‌گرایی دارد، در جوامع رفتارگرا نظیر کشور ما، موفقیت چندانی بدست نخواهد آورد.

نماز جماعت، معراج پروانه‌های مدرسه



بر بایی نماز در مدارس وظیفه ای خطیر و بسیار حساس است، زیرا مدارس یکی از مهم ترین مکان های تربیتی به شمار می آید و کودکان و نوجوانان در این مکان به رشد معنوی خود می رستند.

نهاد های اجتماعی و جامعه پذیری سیاسی



کودک با ورود به مدرسه، اولین محیط رسمی کاملاً متمایز از محیط خانواده را تجربه می‌کند. محیطی با مقررات، ارزش ها، انتظارات، نظام ارتباطی، ساختار و تشکیلات، و اهداف و کارکردهای ویژه که بنیاد فرد را در آنچه خانواده قادر به تأمین آن نیست، آموزش داده، تربیت کند.

روییای خواندن

اختلالات خواندن، شایع ترین نوع اختلالات یادگیری معرفی شده است که نه تنها خود فرد بلکه خانواده و جامعه ی او را نیز تحت تأثیر قرار می دهد.

تلخ چون تنهایی

لب تاب را روشن می‌کنم، می‌توسم اعتیاد و بعد سرخ را می‌زنم، کلی عکس و مطلب، هر صفحه را جدا باز می‌کنم، بیشتر مطالب تکراری است و به اصطلاح فقط حرف است. اما عکس‌ها، عکس‌ها گوپاتر از هر چیزی است، عکس پسر بچه‌ای که به سیگار پک می‌زند، همه نگاهم را پر می‌کند، عکس را بزرگ می‌کنم، مظلومیت خاص نگاهش باعث می‌شود نیم ساعتی همان طور خیره به چشمانش...

هفت خوان هوشمند سازی

مدارس هوشمند محیطی است که جهت ایجاد محیط یاددهی - یادگیری و بهبود نظام مدیریتی مدرسه و تربیت دانش آموزان پژوهنده مبتنی بر علم نوین طراحی شده است.

توسعه تولید داخلی
اقتصاد مقاوم، اقدام اول
مشارکتی
سال



اندر حکایت خصوصی سازی مدارس؛

طرح واگذاری مدارس به بخش خصوصی ازجمله برنامه‌های همزاد سال تحصیلی ۹۵-۹۴ به شمار می‌رود که از سوی وزارت آموزش و پرورش در بودجه‌ی ۹۴ مطرح شده تا به‌عنوان یکی از برنامه‌های وزارت آموزش و پرورش برای اداره‌ی مدارس رنگ و بوی قانونی به خود بگیرد. در خصوص جزئیات این طرح و نحوه‌ی اجرا، همچنین کاستی‌ها و مزایای این طرح، تیم خبرنگاری ماهنامه‌ی طلابداران فرهنگ اقدام به تهیه‌ی گزارش از چهار نفر از صاحب‌نظران در حوزه‌ی آموزش و پرورش نمودند؛



ادامه در صفحه ۴

گزارشی از صاحب نظران در حوزه آموزش و پرورش



مرضیه گرد، محمود فرشیدی، جبار کوچکی نژاد، ابراهیم سحر خیز

من موافق توسعه‌ی هدفمند و ضابطه‌مند مردم، ازجمله تأسیس مدارس غیردولتی و همچنین طرفدار بالا بردن بهره‌وری آموزش و پرورش هستم. منابع آموزش و پرورش باید مدیریت شود و نباید نگاه مصرف‌گرایانه به آموزش و پرورش داشته باشیم. بنا به بند دوم سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری در حوزه‌ی تحول و بند دهم راهبردهای کلان سند تحول بنیادین و همچنین اصل ۳۰ قانون اساسی آموزش و پرورش یک دستگاه حاکمیتی می‌باشد. وی اظهار داشت: اگر قرار باشد که مدارس غیردولتی، شریک‌های سرسام‌آور دریافت کنند، فقط به سود خود توجه کنند، فعالیت‌های ظاهری انجام دهند و آموزش و پرورش کم‌رنگ شود، هیچ فایده‌ای به حال دانش آموزان نخواهد داشت.

متأسفانه در سیاست گذاری آموزش و پرورش، ازجمله آموزش را بر پرورش ترجیح دادند؛ چرا که اکنون بر اساس تقسیم بندی صورت گرفته بیان می‌دارند که فعالیت‌های گروه یک، یعنی آموزش حتماً باید در کلاس معلم داشته باشیم در فعالیت‌های گروه دو که بخش مشاوره و پرورش را مطرح می‌کنند بیان می‌دارند که ما اگر معلم داشته باشیم در پرورش می‌دهیم در صورتی که این دیدگاه درستی نیست و تقریباً کمرنگ کردن بحث پرورشی در مدارس است. پرورش و پرورش را به ثمر برسانند...

عده ای که صلاحیت‌های لازم دارند و نه با انگیزه‌ی اقتصادی بلکه با انگیزه‌ی فرهنگی و تربیتی بیایند و طرح‌هایی را تعریف کرد باری از روی دوش دولت بردارند که این دو خیلی با هم تفاوت دارند به این معنا که اگر شما خصوصی سازی را به معنای آموزش و پرورش یک کار اقتصادی بدانید آن وقت خصوصی سازی که انگیزه‌ی اقتصادی مورد نظرش است پیش قدم می‌شود و کار تولید دانش و محصولات علمی هم شدن این است که سود بیشتری ببرد. اما اگر کسی نگاهش رویکرد فرهنگی است هدفش این است که کار تربیتی انجام دهد طوری که بهترین آموزش و پرورش را به ثمر برساند...

به فرموده‌ی سکان‌دار انقلاب در میان مسائل اولویت‌دار، مسئله فوری‌تر و نزدیک‌تر جامعه، مسئله اقتصاد است. اگر ملت و دولت بتوانند در مسئله اقتصاد کارهای درست و بجا و متقن انجام دهند، امید است که در مسائل دیگر، مثل مسائل اجتماعی، مسائل اخلاقی و مسائل فرهنگی هم توفیقات لازم را کسب کنند. در اقتصاد؛ اصل مسئله تولید داخلی، ایجاد اشتغال، رفع بیکاری، تحرک و رونق و مقابله با رکود است. باید کشور بتواند مشکل رکود را حل کند، باید مشکل تولید داخلی، مسئله بیکاری، گرانی و... را برطرف کند تا راه برای دیگر کارها هموار شود و فراغت به وجود آید تا مردم و مسئولان بتوانند به کارهای اساسی‌تر بپردازند. برای حل مسئله اقتصادی راه‌حلی‌هایی از خارج و داخل متصور است. بعضی حل مسائل گوناگون کشور را در خارج از مرزها می‌بینند و نسخه شفا بخش کشور را در برقراری رابطه با غرب به هر قیمتی می‌دانند و حتی برای حل مسئله اقتصاد صحبت از نادیده گرفتن اهداف و ارزش‌ها نیز می‌کنند. الگو این دسته، الگوی اقتصاد وابسته و هضم شدن در هاضمه نظام جهانی است و اساساً راه‌حل آن‌ها جلب رضایت نظام جهانی به سرکردگی آمریکا و کوتاه آمدن در مقابل درخواست‌ها و مطالبات آن‌هاست. به‌زعم این عده هر کاری را باید کرد (ولو با نادیده گرفتن عزت و استقلال که با نثار خون هزاران شهید به‌دست‌آمده) تا رضایت آمریکا حاصل شود و... در مقابل نظر دیگری وجود دارد که ضمن ارائه راه‌حل بنیادی برای مسئله اصلی اقتصاد، هم‌زمان عزت و استقلال کشور را در نظر می‌گیرد و اهداف و ارزش‌های اسلامی-الهی انقلاب را نیز توأمان دنبال می‌کند. این نگاه درد اصلی اقتصاد را نه در ارتباطات با جهان به اصطلاح صنعتی و بی‌مهری‌های غرب بلکه در وابستگی بیش‌ازحد آن به نفت خام و دنباله‌روی محض از آن‌ها و مقاوم نبودن اقتصاد می‌داند و در مقابل علاج کار را در مجموعه‌ای به‌عنوان اقتصاد مقاومتی می‌بیند. به باور این عده اقتصاد مقاومتی شامل همه راه‌حل‌های اقتصادی است. این گروه عقیده دارد با اقتصاد مقاومتی

ماهنامه فرهنگی سیاسی
سازمان بسیج فرهنگیان
شماره ۵۵، فروردین ۹۵

سر مقاله

سال ۹۵ هم در آغاز و هم در پایان، متبرک به نام مبارک حضرت زهرا (سلام‌الله علیها) است. امید است که به برکت میلاد باسعادت حضرت زهرا مرضیه این سال مبارکی باشد و همه مردم ایران اسلامی بتوانند در عمل به آن حضرت تاسی نمایند و از معنویات، راهنمایی‌ها، زندگی و فیوضات آن بزرگوار بهره‌مند گردند. انشاء الله

سالی که گذشت مثل همه مهر و موم‌ها، آمیزه‌ای از شیرینی‌ها و تلخی‌ها و فرازها و فرودها بود. در زمینه‌ی هابی امیدها برانگیخت و در زمینه‌ی مایی دیگر، نگرانی‌ها و دغدغه‌هایی به وجود آورد. به این واسطه کشور و ملت ایران در سال ۹۴ با فرصت‌ها و تهدیدهای خاصی روبرو شد که همین فرصت‌ها و تهدیدها سال ۹۵ را از دیگر سال‌ها متفاوت و متمایز می‌کند.

خطر تحریف خط امام و ایجاد انحراف در مسیر انقلاب اسلامی و دور کردن آن از ارزش‌ها و اهداف اصلی، عیان شدن خطر نفوذ و عزم همه‌جانبه دشمن برای رخنه در عرصه فرهنگی، سیاسی، اقتصادی... تهدیدات بی‌دری آمریکا در زمینه‌ی های غیرهسته‌ای، تهدید به تحریم‌های مجدد اقتصادی و وجود مسائل و مشکلات اقتصادی- فرهنگی در بخش تولید، اشتغال، ازدواج ازجمله مهم ترین مسائلی است که در سال ۹۴ به اوج رسید و در مقابل آن ظرفیت‌ها، انگیزه‌ها، تلاش‌ها و امیدها و... که به وجود آمد و بیاتر فرصت‌های انقلاب اسلامی در آینده و سال ۹۵ است. از این رو با نگاه به آینده باید برای بهره‌گیری از انگیزه‌ها و تحقق امیدها تلاش کرد، باید کار شبانه‌روزی کرد و باید بی‌وقفه سعی و کوشش کرد تا در مقابل تهدیدهای دشمنان و دشمنی‌های آن‌ها، کشور از آسیب‌پذیری خارج شود و به حدی از اطمینان معطوف به پیشرفت همه‌جانبه گردد و مراتب رشد و کمال مادی و معنوی آحاد مردم فراهم آید.

به فرموده‌ی سکان‌دار انقلاب در میان مسائل اولویت‌دار، مسئله فوری‌تر و نزدیک‌تر جامعه، مسئله اقتصاد است. اگر ملت و دولت بتوانند در مسئله اقتصاد کارهای درست و بجا و متقن انجام دهند، امید است که در مسائل دیگر، مثل مسائل اجتماعی، مسائل اخلاقی و مسائل فرهنگی هم توفیقات لازم را کسب کنند. در اقتصاد؛ اصل مسئله تولید داخلی، ایجاد اشتغال، رفع بیکاری، تحرک و رونق و مقابله با رکود است. باید کشور بتواند مشکل رکود را حل کند، باید مشکل تولید داخلی، مسئله بیکاری، گرانی و... را برطرف کند تا راه برای دیگر کارها هموار شود و فراغت به وجود آید تا مردم و مسئولان بتوانند به کارهای اساسی‌تر بپردازند. برای حل مسئله اقتصادی راه‌حلی‌هایی از خارج و داخل متصور است. بعضی حل مسائل گوناگون کشور را در خارج از مرزها می‌بینند و نسخه شفا بخش کشور را در برقراری رابطه با غرب به هر قیمتی می‌دانند و حتی برای حل مسئله اقتصاد صحبت از نادیده گرفتن اهداف و ارزش‌ها نیز می‌کنند. الگو این دسته، الگوی اقتصاد وابسته و هضم شدن در هاضمه نظام جهانی است و اساساً راه‌حل آن‌ها جلب رضایت نظام جهانی به سرکردگی آمریکا و کوتاه آمدن در مقابل درخواست‌ها و مطالبات آن‌هاست. به‌زعم این عده هر کاری را باید کرد (ولو با نادیده گرفتن عزت و استقلال که با نثار خون هزاران شهید به‌دست‌آمده) تا رضایت آمریکا حاصل شود و... در مقابل نظر دیگری وجود دارد که ضمن ارائه راه‌حل بنیادی برای مسئله اصلی اقتصاد، هم‌زمان عزت و استقلال کشور را در نظر می‌گیرد و اهداف و ارزش‌های اسلامی-الهی انقلاب را نیز توأمان دنبال می‌کند. این نگاه درد اصلی اقتصاد را نه در ارتباطات با جهان به اصطلاح صنعتی و بی‌مهری‌های غرب بلکه در وابستگی بیش‌ازحد آن به نفت خام و دنباله‌روی محض از آن‌ها و مقاوم نبودن اقتصاد می‌داند و در مقابل علاج کار را در مجموعه‌ای به‌عنوان اقتصاد مقاومتی می‌بیند. به باور این عده اقتصاد مقاومتی شامل همه راه‌حل‌های اقتصادی است. این گروه عقیده دارد با اقتصاد مقاومتی



کمی یا کیفی؟! مسئله این است

فاطمه ایزدیان



خانواده‌ها سالیان طولانیست که فرزندان خود را با رویکرد رفتارگرایی بار آورده‌اند، اگر فرزندشان کار خوبی انجام داد به او پاداش می‌دهند و اگر کار خطایی مرتکب شد او را تنبیه می‌کنند. بنابر این ارزشیابی توصیفی که میل به شناخت‌گرایی دارد، در جوامع رفتارگرا نظیر کشور ما، موفقیت چندانی بدست نخواهد آورد.

دین اسلام تأکید فراوانی به تشویق و تنبیه دارد «لم یسکر المخلوق لم یسکر الخالق».

پس چگونه ممکن است در مدارسی که کلاس‌های پرجمعیتهی دارد و هنوز کمد جوایز از ساختار آن مدارس حذف نشده است و از همه مهمتر در خانواده‌هایی که به مناسبت شاکرد اول شدن فرزندشان به او هدیه می‌دهند، انتظار این را داشته باشیم که طرح بزرگی بانام ارزشیابی توصیفی، در کشور ما همچون کشورهای پیشرفته در نظام آموزشی، و کشورهای که سالیان طولانیست که نظام ارزشیابی نمره‌گرا را از ساختار خود حذف کرده‌اند، با موفقیت اجرا شود؟ به منظور رفع این مشکلات، قبل از هر چیز، مسئولین آموزش و پرورش کشور باید به جز فراهم آوردن زیرساخت‌های لازم فیزیکی و آموزشی کارشناسی شده، به آگاه‌سازی خانواده‌ها بپردازند.

از طرفی یکی از اهداف ارزشیابی کیفی، سوق دادن دانش‌آموزان به سمت کار گروهی است؛ چیزی که در بین دانش‌آموزان ما چندان بارز نمی‌باشد و اکثر مردم در کشور ما تمایل به کار فردی دارند. حداقل می‌توان این امر را در درخشش ورزشکاران رشته‌های فردی مشاهده کرد. پس خانواده‌ها باید به اندازه‌ی کافی توجه شوند که فرزندان خود را از ابتدا به سمت کار گروهی سوق دهند نه فردگرایی! در نهایت از آن جایی که ابزارهای سنجش و ارزشیابی کیفی بسیار متنوع هستند و علم نیز همواره در حال پیشرفت و توسعه است و حتی کتاب‌ها قبل از آن که از زیر چاپ خارج

مورد استفاده قرار گیرد، همچنین ارزشیابی توصیفی باید به عنوان جزء جدا نشدنی از فرایند یاددهی - یادگیری محسوب شود. این در حالی است که هنوز بسیاری از معلمان ما، در این زمینه به اندازه‌ی کافی توجه نشده‌اند و آشنایی کافی با شیوه‌های ارزشیابی توصیفی را ندارند. از طرفی بسیاری از معلمان با سابقه، بر اساس مصاحبه‌هایی که با آنان انجام شد، بیان می‌داشتند که با ارزشیابی کمی موافقت‌ترند. آنان بیان می‌دارند که ارزشیابی توصیفی به نوعی حس برتری و رقابت جویی را در دانش‌آموزان می‌کشد. هرچند ممکن است عوارض کشته شدن حس رقابت جویی در دانش‌آموزان مقطع ابتدایی آشکار نشود اما در دوره‌های بعد بروز خواهد کرد. عده‌ای نیز معتقدند که ما هرگز نباید کشور خود را با دیگران مقایسه کنیم و به الگو برداری از کشورهای دیگر بپردازیم زیرا ما یک کشور اسلامی با تمدن کهن هستیم و نیز بیان میدارند که بهتر است به جای الگو برداری صرف از کشورهای دیگر، تنها به استفاده از نقاط مثبت آنان بر اساس فرهنگ اسلامی - ایرانی خود اکتفا کنیم. این خود یک چالش بسیار مهم تلقی می‌شود زیرا از یک طرف، معلمی که قریب به سی سال در آموزش و پرورش ابتدایی مشغول به فعالیت بوده است، تمایل چندانی به تغییر دیدگاه خود ندارد و از طرفی همین گرایش ارزشیابی سنتی نمره‌گرا در آنان، باعث عدم موفقیت کامل این نظام جدید می‌گردد. در این جا لازم است ذکر شود که قبل از انجام هر طرحی، ابتدا باید زیرساخت‌های لازم آن فراهم گردد. یکی از ویژگی‌های نظام ارزشیابی کیفی، تمایل به شناخت‌گرایی است. به نوعی می‌توان گفت نظام ارزشیابی کیفی با رفتارگرایی مخالف است. این در حالی است که

شاید بتوان گفت، از زمانی که تصمیم گرفته شد تا نظام ارزشیابی کیفی در کشور اجرا شود تا کنون، بارها و بارها، طرح مذکور، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است و کارشناسان زیادی در مورد آن نظر داده‌اند. اما اکنون به بیان ناگفته‌هایی در مورد ارزشیابی کیفی می‌پردازیم:

بر اساس تحقیقات زیادی که از سال ۱۹۸۰ در جهان، در رابطه با ارزشیابی و شیوه‌ی اجرای آن و تأثیرات آن بر دانش‌آموزان انجام گرفت، سرانجام منجر به تغییر و بازنگری در نظام ارزشیابی بسیاری از کشورهای جهان شد. در کشور ما نیز بر اساس مصوبه‌ی شورای عالی آموزش و پرورش ارزشیابی پیشرفت تحصیلی در دوره‌ی ابتدایی به شیوه‌ی توصیفی، پس از پنج سال اجرای آزمایشی، از سال تحصیلی ۸۸-۸۹، به صورت پلکانی آغاز شده است. ارزشیابی توصیفی، شکلی از ارزشیابی تحصیلی-تربیتی است که در آن معلم با مشارکت فعال و دانش‌آموز و اولیای ایشان با استفاده از ابزارهای مختلف به جمع‌آوری اطلاعات در زمینه‌ی تلاش‌ها، پیشرفت‌ها و موفقیت‌های دانش‌آموزان می‌پردازد و با طبقه‌بندی، تحلیل و تفسیر اطلاعات به آنها کمک می‌کند تا بهتر یاد بگیرند و مشکلات یادگیری خود را به کمک اولیا و معلمان برطرف کنند. هدف اصلی در ارزشیابی توصیفی بهبود شرایط یادگیری دانش‌آموزان با از بین بردن اضطراب‌های نامطلوب ناشی از برگزاری امتحانات و بازخورد‌های عددی است. منظور از ارزشیابی توصیفی این نیست که رویکرد جدیدی در نظام ارزشیابی مدارس به وجود بیاید؛ بلکه منظور از آن ایجاد یک ارزشیابی تکوینی با رویکرد بازخورد توصیفی است که به جای به کارگیری مقیاس فاصله‌ای (۰-۲۰)، از مقیاس توصیفی (خیلی خوب، خوب، قابل قبول و نیاز به تلاش بیشتر) برای ترسیم پیشرفت تحصیلی فراگیران استفاده می‌شود. این شیوه‌ی ارزشیابی کیفی توصیف‌گرا در دوره‌ی ابتدایی، در اصل زاینده شیوه‌های فلسفی و تفکر پس از پوزیتویسم و هم‌سو با گرایش جهانی به اصلاحات آموزشی می‌باشد. هدف غایی ارزشیابی، اصلاح و بهبود فرایند یاددهی - یادگیری است و نتایج ارزشیابی‌ها باید در اصلاح برنامه‌ها و روش‌ها

نماز جماعت، معراج پروانه‌های مدرسه

شعبان کمریست

بر پای‌نماز در مدارس وظیفه‌ای خطیر و بسیار حساس است، زیرا مدارس یکی از مهم‌ترین مکان‌های تربیتی به شمار می‌آید و کودکان و نوجوانان در این مکان به رشد معنوی خود می‌رسند.

دانش‌آموزان به این فریضه تشویق نشوند بلکه روزبه‌روز از تعداد نمازگزاران کم شود. اقامه نماز با حضور مدیر، معلمان و معاونان مدرسه می‌تواند، در الگوپذیری دانش‌آموزان نقش اساسی داشته باشد. نصب جملات زیبا و متناسب در محل نماز و همچنین اجرای برنامه‌های متنوع و پرنشاط توسط دانش‌آموزان در مراسم‌های مختلف به طوری که تصاویر خوشایند و زیبا از محل نماز در ذهن و خاطر دانش‌آموزان بر جای گذارد، تشویق و ترغیب آن‌ها به پاکیزگی و آراستگی به هنگام نماز، همچنین بیان نمودن قصه‌ها و داستان‌های قرآنی زیبا و جذاب، باعث جذب دانش‌آموزان به این فریضه الهی می‌شود.

مسئولان باید توجه داشته باشند که نماز جماعت در مدارس هرروز برگزار شود و به دلایل متفاوت، روزهای هفته را برای نمازخواندن پایه‌های مختلف دانش‌آموزان تقسیم نکنند. همچنین زمان اختصاص داده‌شده به نماز را حفظ کنند و به هیچ‌وجه این زمان به موارد دیگر اختصاص داده نشود. بهتر است در وقت نماز، صدای دل‌نشین آذان پخش شود و مدرسی که نمازخانه آن‌ها فضای کافی برای همه دانش‌آموزان ندارد؛ می‌تواند با همکاری دانش‌آموزان، نماز جماعت را در فضاهای دیگر مثلاً حیاط مدرسه، یا حتی در دو زمان متفاوت برگزار کنند. استفاده از ساعت استراحت دانش‌آموزان برای برگزاری نماز جماعت صحیح نیست، زیرا باعث بی‌رغبتی و عدم حضور آن‌ها می‌شود.

تمامی موارد ذکرشده برای برپایی نماز جماعت به نحو مطلوب و همچنین رشد معنوی دانش‌آموزان ضروری هست؛ بنابراین مدیران، معاونان و از همه بیشتر معلمان، باید به اهمیت این نکات توجه داشته باشند تا این فریضه الهی به زیبایی وقوع یابد.

اگرچه نماز دارای اهمیت فراوان است، اما برگزار کردن نماز به جماعت اهمیت بیشتر دارد، زیرا نماز جماعت نمادی بارز از جامعه مطلوب اسلامی است که عناصری مانند رهبری، اتحاد و نظم را دربر می‌گیرد. برپایی نماز در مدارس وظیفه‌ای خطیر و بسیار حساس است، زیرا مدارس یکی از مهم‌ترین مکان‌های تربیتی به شمار می‌آید و کودکان و نوجوانان در این مکان به رشد معنوی خود می‌رسند. با توجه به جایگاه نماز در دین مبین اسلام و ضرورت اقامه این فریضه به بهترین و زیباترین شیوه، تمامی مدارس، باید نماز باشکوه جماعت را برگزار کنند و ۲۰ دقیقه از وقت مدارس را به نماز جماعت اختصاص دهند.

تریا حسن پور در کتاب چگونه توانستم دانش‌آموزانم را به نماز علاقه مند کنم؟

علل بی‌توجهی دانش‌آموزان به نماز جماعت را اینگونه ذکر می‌کند:

- عدم انگیزه‌ی کافی جهت شرکت در نماز جماعت.
- عدم تشویق‌های مناسب جهت شرکت در نماز جماعت.
- طول کشیدن نماز جماعت.
- نداشتن امکانات در نمازخانه.
- نامناسب بودن هوای نمازخانه.
- دادن مسئولیت فقط به تعداد خاصی از دانش‌آموزان.
- جذاب نبودن صحبت‌ها و فعالیت‌های امام جماعت.

راهکارهای علاقه‌مند کردن دانش‌آموزان به نماز جماعت

اولین گام برای تشویق دانش‌آموزان به شرکت در نماز جماعت، خوش‌رویی مسئولان و محبت آن‌ها به

خداوند یکتا، بهترین و کامل‌ترین برنامه تربیتی را از طریق پیامبران سزوار خود برای انسان‌ها فرستاده و در اختیار آن‌ها قرار داده است. تعلیم و تربیت مهم‌ترین و والاترین، وظیفه بزرگ‌ترین معلمان بشریت، پیامبران بزرگ خدا و امامان راهنما (ع) است. همه‌ی کودکان و نوجوانان، به هدایت و به یک برنامه‌ی صحیح زندگی نیاز دارند. این نیاز برآورده نمی‌شود، مگر با پرورش حس مذهبی، احیای فطرت و فراهم نمودن زمینه‌های رشد و به کمال رساندن فضایل اخلاقی آن‌ها که نماز کامل‌ترین پاسخ به عالی‌ترین نیاز انسان است و بزرگ‌ترین فریضه الهی و سبب قبولی سایر اعمال است.

حضرت علی (ع) در نامه ۳۱ نهج‌البلاغه می‌فرماید: «إِنَّمَا قَلْبُ الْوَالِدِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقَى فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ فَإِنَّ زَيْتًا بِلَاذْبٍ قَبِلَ أَنْ يَشْتَوْ قَلْبُكَ وَ يَسْتَقِلَّ لَيْتُكَ» «قلب نوجوان چنان زمین کاشته نشده، آماده پذیرش هر بذری است که در آن پاشیده شود. پس در تربیت تو شتاب کردم، پیش از آن که دل تو سخت شود و عقل تو به چیز دیگری مشغول گردد».

بدون تردید، همه‌ی کودکان و نوجوانان، استعداد پذیرش و انجام تکالیف مذهبی را ذاتاً دارند اما آنچه مهم است، چگونگی روش‌ها و ارائه شیوه‌های جذاب آن‌ها به سوی این تکالیف است. همچنین ایشان می‌فرمایند: «علموا صیانتکم الصلوة و خذوهم بها اذا بلغوا الحلم» «در کودکی به فرزندانتان نماز را تعلیم دهید و هنگام بلوغ، آنان را به نماز وادارید».



نهادهای اجتماعی و جامعه پذیری سیاسی

علی صادق نژاد



کودک با ورود به مدرسه، اولین محیط رسمی کاملاً متمایز از محیط خانواده را تجربه می‌کند. محیطی با مقررات، ارزش‌ها، انتظارات، نظام ارتباطی، ساختار و تشکیلات، و اهداف و کارکردهای ویژه که بناسست فرد را در آنچه خانواده قادر به تأمین آن نیست، آموزش داده، تربیت کند.

جامعه‌پذیری در مدرسه از خلال ساختار نظام آموزشی، سازمان مدرسه، محتوای برنامه‌های درسی و منابع آموزشی و کمک‌آموزشی، فضای کلاس و نحوه تدریس، نظام ارتباطی و فضای اجتماعی مدرسه، آیین‌ها و رسوم جاری حاصل می‌شود.

در جامعه‌پذیری سیاسی نیز مدرسه کانال مهمی برای هدایت افراد به سمت دنیای سیاست است. جهت‌گیری‌ها، ایدئولوژی‌ها و القانات آشکار و پنهان سیاسی در سال‌های اولیه تحصیل، تأثیر بسیار زیادی بر موضع‌گیری‌های فرد در مراحل بعدی زندگی دارد.

وسایل ارتباط جمعی

یکی دیگر از عوامل و کارگزاران بسیار مهم جامعه‌پذیری، رسانه‌ها یا وسایل ارتباط جمعی هستند. نقش مؤثر این وسایل بر فرایند جامعه‌پذیری همگان به‌ویژه کودکان و نوجوانان و تأثیر آن‌ها در هدایت بینش‌ها، نگرش‌ها، گرایش‌ها، ارزش‌ها، الگوها و رفتارها در مسیر اهداف منظور، واقعیتی است که تجارب عینی و مطالعات پژوهشی بسیار زیادی، بر آن مهر تأیید نهاده است.

نهادهای مذهبی

دین و نهادهای دینی نیز می‌توانند هم به‌صورت مستقیم و هم غیرمستقیم در فرایند جامعه‌پذیری و جامعه‌پذیری سیاسی، مؤثر واقع شوند. نقش غیرمستقیم دین در این روند را باید در میزان تأثیری که بر دیگر کارگزاران جامعه‌پذیری از قبیل خانواده، همسالان، مدرسه و وسایل ارتباط جمعی دارد، جستجو کرد. مسلماً هنگامی که افراد توسط این عوامل جامعه‌پذیر می‌شوند، به میزانی که خود آن‌ها تحت تأثیر آموزه‌ها و ارزش‌ها و هنجارهای برگرفته از دین قرار داشته باشند، افراد تحت تأثیر آن‌ها نیز از این امر بی‌نصیب نخواهند ماند.

خوانندگان گرامی برای مشاهده متن کامل مقاله می‌توانند به فصلنامه «راه تربیت»، شماره پنجم، سال ۸۷ مراجعه نمایند.

خصوصیات فکری، آرمانی، ارزشی، احساسی و اجتماعی، به شبکه‌های جدیدی از تعاملات اجتماعی با آثار و کارکردهای ویژه و فرصت‌ها و تهدیدهای متناسب وارد می‌شود.

گروه همسال می‌تواند به دو صورت به نوجوان در برابر خانواده کمک کند: اول، جای پدر یا مادر را می‌گیرد و قواعد و رسومی را بر نوجوان اعمال می‌کند؛ و دوم، در مقابل پدر و مادر از نوجوان حمایت می‌کند و سبب افزایش استقلال و عزت‌نفس در وی می‌شود.

مراکز آموزشی و تحصیلی

یکی دیگر از عوامل بسیار مؤثر در فرایند جامعه‌پذیری، مراکز آموزش رسمی از کودکان تا مراکز آموزش عالی است که وظیفه تربیت، آموزش، انتقال دانش‌ها، بینش‌ها، ارزش‌ها، گرایش‌ها، تجربیات، مهارت‌ها، قواعد و معیارهای رسمی جامعه و اخلاق و منش مدنی به افراد را در مقاطع مختلف سنی، متناسب با ظرفیت‌ها، نیازها و ضرورت‌های فردی و اجتماعی بر عهده‌دارند.

کودک با ورود به مدرسه، اولین محیط رسمی کاملاً متمایز از محیط خانواده را تجربه می‌کند. محیطی با مقررات، ارزش‌ها، انتظارات، نظام ارتباطی، ساختار و تشکیلات و اهداف و کارکردهای ویژه که بناسست فرد را در آنچه خانواده قادر به تأمین آن نیست، آموزش داده، تربیت کند.

مراحل و مقاطع مختلف جامعه‌پذیری

فرایند جامعه‌پذیری فرایندی مادام‌العمر و لاینقطع است. فرد به دلیل قرار گرفتن در موقعیت‌های مختلف و متغیر، همواره نیازمند جامعه‌پذیری‌های مجدد و آموزش‌های متناسب است. مهم‌ترین مقطعی که بیش‌ترین میزان دریافتی آن به‌صورت یک‌سویه، انفعالی و عمیق در آن انتقال می‌یابد، مقطع کودکی و تا حدی نوجوانی است که فرد به دلیل فقدان اطلاعات، ضعف تجربه، احساس نیاز، استعداد بالا و ضرورت‌های محیطی، آمادگی و اشتیاق وافر برای پذیرش و گیرایی دارد و معمولاً آنچه در دوران اولیه زندگی آموخته می‌شود، به‌سختی در مراحل بعدی، جای خود را به چیز دیگری می‌دهد.

اشکال و شیوه‌های جامعه‌پذیری

معمولاً جامعه‌پذیری، عموماً و جامعه‌پذیری سیاسی، خصوصاً از طریق تقلید و همانندسازی، تلقین، آموزش غیرمستقیم، آموزش مستقیم، مشاهده و کسب تجارب متنوع و مستمر در عرصه مختلف زندگی اجتماعی، ایفای نقش‌های اجتماعی، رؤیت خود در آینه واکنش‌ها و بازتاب‌های جامعه و تلاش برای هماهنگی با خواسته‌ها و انتظارات جمعی (بر اساس نظریه خود آینه‌سان) و تأثیر از دیگران تعمیم می‌یابد و با فرهنگ غالب جامعه، الگوگیری از دیگران یا از گروه‌های مرجع و اعمال فشارهای روانی برای انطباق یابی با فرهنگ غالب محقق خواهد شد.

عوامل و کارگزاران جامعه‌پذیری

عوامل، کارگزاران یا آژانس‌های جامعه‌پذیر کننده یعنی افراد، گروه‌ها و سازمان‌هایی که جامعه‌پذیری توسط آن‌ها و در درون آن‌ها اتفاق می‌افتد در عصر و زمان حاضر عبارت‌اند از: خانواده و شبکه خویشاوندان، گروه دوستان و همسالان، مراکز آموزش رسمی، وسایل ارتباط جمعی، شغل و محیط‌های شغلی، سازمان‌ها و کانون‌های مذهبی، احزاب و جنبش‌های سیاسی، اتحادیه‌های کارگری، کلوب‌ها و انجمن‌ها، طبقه اجتماعی، محیط‌های مرجع (محیط‌هایی که فرد بدون آن‌ها که بدان‌ها تعلق داشته باشد، ارزش‌های و الگوهای آن‌ها را به عاریت گرفته و جهت‌گیری‌ها و کنش‌های خود را همسو با آن‌ها سازمان می‌دهد).

خانواده

خانواده به‌عنوان نخستین گروه اجتماعی که فرد در سال‌های اولیه حیات خود بدان تعلق دارد، اولین و مهم‌ترین کارگزار جامعه‌پذیری کودک محسوب می‌شود. ناگفته پیداست که خانواده علی‌رغم بروز برخی تغییرات و ظهور عوامل اجتماعی کننده دیگر، همچنان از نقش مهم، برجسته و تعیین‌کننده‌ای در فرایند جامعه‌پذیری برخوردار است.

خانواده در جامعه‌پذیری سیاسی کودک نقش مهمی ایفا می‌کند. کودک در چارچوب خانواده، اولین تجربه برخورد با روابط، اقتدار را کسب می‌کند؛ تجربه‌ای که ممکن است به‌نظام سیاسی نیز تعمیم یابد.

گروه دوستان

یکی دیگر از گروه‌های مهم اجتماعی که در کنار خانواده و مدرسه، نقش بسیار مهمی در جامعه‌پذیری افراد ایفا می‌کند، گروه دوستان یا همسالان (با معیار سن) است. معاشرت با دوستان خارج از محیط خانواده، عرصه جدید، متنوع و پرجاذبه‌ای از روابط اجتماعی را فراهم می‌آورد. کودک و نوجوان به اقتضای اشتراک نسبی و مشابهت زیاد با همسالان خود در

دکتر سیدحسین شرفالدین، دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و دکترای علوم اجتماعی از دانشگاه امام صادق (ع) تهران و عضو هیئت‌علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) در رابطه با این موضوع این‌گونه می‌نویسد:

یکی از فرایندهای پیچیده، چندلایه و گریزناپذیری که موجود انسانی عمدتاً به اقتضای زیست اجتماعی خویش، از اولین لحظه ورود به این عالم تا آخرین دقیق عمر خویش، همچنان در دلان آن سیر می‌کند، فرایند موسوم به «جامعه‌پذیری» است.

فرایندی که متکفل برقراری ارتباط و فعلیت دهی و شکوفاسازی یا احیانا سرکوب و پرورش ناموزون سرمایه‌های طبیعی و زیستی، ظرفیت‌های ژنتیک و قابلیت‌های وجودی انسان می‌شود. این فرایند به زبان جامعه‌شناختی، «جامعه‌پذیری» یا «اجتماعی شدن» و به زبان تعلیم و تربیت، «شکوفایی استعدادهای بالقوه» نامیده می‌شود.

جامعه‌پذیری سیاسی

جامعه‌پذیری به اعتبار قلمروهای مختلف تعلق، حضور و فعالیت اجتماعی، گونه‌های مختلفی همچون جامعه‌پذیری قومی، مذهبی، سیاسی، اقتصادی، شغلی، جنسی و... دارد.

یکی از مهم‌ترین این انواع، جامعه‌پذیری سیاسی است که به نحوه ارتباط میان فرد با نهاد سیاست و قدرت و به‌بیان‌دیگر، به حوزه مدیریت کلان جامعه و سازمان‌های اجتماعی مربوط می‌شود. جامعه‌پذیری سیاسی در عین اشتراک با سایر گونه‌های جامعه‌پذیری و جامعه‌پذیری به معنای عام در اصطلاح جامعه‌شناختی، از جهاتی نیز متمایز است. جامعه‌پذیری سیاسی نیز فرایند آشناسازی افراد با نظام سیاسی جامعه خود و تعیین یابی نسبی ادراکات و واکنش‌های آن‌ها نسبت به پدیده‌های سیاسی است.

هدف از جامعه‌پذیری

شکوفاسازی استعدادها، پرورش تمایلات، هدایت انگیزه‌ها، ایجاد نگرش‌ها، درون‌ریزی ارزش‌ها و هنجارها، آموزش نقش‌ها مهارت‌ها، نظم دهی و رفتارها، ایجاد همبستگی و کنترل اجتماعی، مهار تمایلات بالقوه سرکش و ضداجتماعی و تضمین بقا و استمرار نظام اجتماعی است.

به همین علت یکی از هدف‌های عمده فرایند اجتماعی شدن، باید عبارت باشد از ادغام موازین و ارزش‌های گروهی در وجدان‌های انفرادی به‌نحوی که اعضای جامعه، ارزش‌های گروهی را نه به‌عنوان معیارهای تحمیلی از خارج، بلکه به‌عنوان ارزش‌ها و معیارهای شخصی خویش نیز بپذیرند.

از جامعه‌پذیری سیاسی نیز به‌عنوان یکی از انواع جامعه‌پذیری، نتایج ذیل انتظار می‌رود:

- به وجود آمدن و فرم یابی تدریجی خویشتن سیاسی یا فرایند انتقال فرهنگ سیاسی شامل باورها، ارزش‌ها، هنجارها، نگرش‌ها، ایدئولوژی‌ها، نمادها، احساسات عواطف
- قدرت‌یابی بر تحلیل مسائل و رویدادهای سیاسی
- کسب اخلاق مدنی، منش دموکراتیک
- کسب آمادگی لازم برای نقش‌پذیری، مشارکت فعال و ایفای مسؤولیت‌های اجتماعی

تمام‌قد برای جمهوری اسلامی



تقدیرهای متعدد برای قدردانی و احترام از طرف همه‌ی گروه‌ها، حال اینکه راه نیافتن افرادی چون آیت‌الله مصباح و آیت‌الله زیدی که از طرف رهبری خسارت انتخابات شناخته شد و ورود افراد ارزشمند و کمتر شناخته‌شده به صحنه‌ی تصمیم‌سازی کشور و سندی تا افرادی برای همیشه از سپهر سیاسی کشور کنار گذاشته شوند.

تمام این اتفاقات و انتخابات پیش رو صحنه‌ای است برای سنجش ملت در صحنه‌ی جهانی و درگاه خداوند، آن‌ها شالاه که همه از این آزمون سربلند شویم و اینک محیا شویم برای مطالبه و عملی شدن برنامه‌ها و اقدام برای کشوری آباد و مستقل.

بعد از دعوت از تمام گروه‌ها و حضور پرشور و بیش از ۶۰٪ ملت و البته چهره‌های خاص در ۱۷ اسفند حال پس از نهای شدن آرا و شکل گرفتن شاکله‌ی ولای مجلس اینک نوبت به کامل کردن حماسه‌ی انتخابات ۹۴ رسیده است.

رقابتی برای ۶۹ کرسی مجلس شورای اسلامی در هفته‌های آینده، به‌درستی که هیچ‌کسی را یاری مقاومت در برابر اکثریت مردم نیست و هرکسی را که مردم نخواهند باید کنار برود. آری قانون فصل الخطاب است و همیشه و هر زمان عیار مردان روزگار را می‌سنجد.

مردم فاتح انتخابات انتخابات ۱۷ اسفند شامل جنگی بود پر از خاطره و کتابی دیگر از عبرت‌ها در کارنامه‌ی سیاسی کشور، آلبومی با حضور مثال‌زدنی مردم همراه با پیام‌ها و

اندر حکایت خصوصی سازی مدارس؛

طرح واگذاری مدارس به بخش خصوصی از جمله برنامه‌های هم‌زمان سال تحصیلی ۹۴-۹۵ به شمار می‌رود که از سوی وزارت آموزش و پرورش در بودجه‌ی ۹۴ مطرح شده تا به‌عنوان یکی از برنامه‌های وزارت آموزش و پرورش برای اداره‌ی مدارس رنگ و بوی قانونی به خود بگیرد. در خصوص جزئیات این طرح و نحوه‌ی اجرا، همچنین کاستی‌ها و مزایای این طرح، تیم خبرنگاری ماهنامه‌ی طلایه‌داران فرهنگ اقدام به تهیه‌ی گزارش از چهار نفر از صاحب‌نظران در حوزه‌ی آموزش و پرورش نمودند؛ بزرگوارانی از جمله سرکار خانم مرضیه گرد، معاون وزیر و رئیس سازمان مدارس غیردولتی و مشارکت‌های مردمی و خانواده، محمود فرشیدی، وزیر اسبق آموزش و پرورش، ابراهیم سحرخیز، معاون اسبق آموزش متوسطه، جبار کوچکی نژاد، سیاست‌مدار ایرانی و نماینده‌ی کنونی مجلس شورای اسلامی و عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات و فناوری، تیم خبرنگاری ماهنامه‌ی طلایه‌داران فرهنگ را در این مهم یاری کردند. هدف اصلی تیم خبرنگاری ما این بوده است که اقدام به ارائه‌ی اطلاعات تکمیلی در مورد جزئیات این طرح نموده و در نهایت، تصمیم‌گیری نهایی در مورد قابل‌قبول بودن یا نبودن این طرح را به عهده‌ی مسئولین و مردم که اصلی‌ترین مشتری دستگاه آموزش و پرورش محسوب می‌شوند می‌گذاریم. در ادامه، مصاحبه‌ی تنظیم شده با هر یک از این چهار بزرگوار را به استحضار می‌رسانیم.



ابراهیم سحرخیز
معاون سابق وزیر آموزش و پرورش

های صورت گرفته نظام‌مند و مبتنی بر نیاز منطقه و از طریق دانشگاه فرهنگیان، بر اساس رشته‌های موردنیاز باشد، نیروی مازادی وجود نخواهد داشت. همچنین برای مدرسی که انگشت‌شمار دانش‌آموز دارند هم فکری اساسی باید کرد تا در بودجه‌ریزی مدیریت شود.

وی در ادامه راجع به بسته‌ی حمایتی مدارس غیردولتی یادآور شد: بسته‌ی حمایتی بخشنامه‌ای بود که سال قبل صادر شد. بر اساس این بخشنامه، مدرسه‌هایی تحت عنوان خرید خدمات آموزشی با تمام امکانات آموزشی و شنصدهزار تومان، هزینه برای هر دانش‌آموز واگذار شد اما با مشکلاتی از جمله استفاده از معلمان ارزان‌قیمت و بی‌صلاحیت مواجه شد.

در آخر سحرخیز خاطرنشان کرد: آموزش و پرورش یکی از نهادهای مؤثر در اعتماد مردم به نظام و همچنین رسیدن به عدالت است. پس باید برای آن هزینه کرد. در صورتی که سهم آموزش و پرورش از بودجه‌ی عمومی کشور، در سال‌های اخیر رشدی نداشته است. اگر ایرادات طرح خصوصی‌سازی مدارس برطرف شود، ساختار شورای نظارت را بازنگری کنیم، شاخص‌های تعیین شهریه را شفاف‌سازی کنیم و همچنین از سو استفاده‌ی از این طرح جلوگیری کنیم، مؤسسان مدارس، مؤسسان خوبی باشند، از معلمان باصلاحیت استفاده شود و نظارت به‌خوبی صورت گیرد، یعنی در واقع نظارت در عمل باشد می‌توان گفت طرح خصوصی‌سازی مدارس طرح خوبی است.

کنند، فعالیت‌های ظاهری انجام دهند و آموزش و پرورش کمرنگ شود، هیچ فایده‌ای به حال دانش‌آموزان نخواهد داشت. دولت باید بحث بودجه‌ریزی را اصلاح و آموزش و پرورش هم باید منابع انسانی را مدیریت و نیروی را از دانشگاه فرهنگیان و در حد نیاز، تأمین کند. پارها گفته شده که آموزش و پرورش نیروی مازاد دارد و برای هر دانش‌آموز حدود دو میلیون تومان هزینه صرف می‌شود. اگر استخدام

به آموزش و پرورش داشته باشیم، بنا به بند دوم سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری در حوزه‌ی تحول و بند دوم راهبردهای کلان سند تحول بنیادین و همچنین اصل ۳۰ قانون اساسی آموزش و پرورش یک دستگاه حاکمیتی می‌باشد.

وی اظهار داشت: اگر قرار باشد که مدارس غیردولتی، شهریه‌های سرسام‌آور دریافت کنند، فقط به سود خود توجه

ابراهیم سحرخیز معاون اسبق آموزش متوسطه، در خصوص طرح خصوصی‌سازی مدارس گفت: در دستور بررسی مجلس، میبختی تحت عنوان خصوصی‌سازی مدارس به‌طور خاص وجود ندارد. در واقع این موضوع، لایحه‌ی تأسیس و نظارت و اداره‌ی مدارس غیردولتی می‌باشد که نیازمند تصویب یک قانون دائمی بوده است اما تاکنون به صورت قانون موقت تمدید شده است. در حال حاضر لایحه‌ی ای مبتنی بر قانون دائمی نظارت بر مدارس غیردولتی به مجلس ارائه شده است. وی افزود: سال‌های سال است که شاهد شکل‌گیری مدارس غیردولتی چه در سال‌های قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب بوده‌ایم. می‌توان گفت که نزدیک به ۹ درصد مدارس کشور، مدارس غیردولتی است و حدود یک‌میلیون و دویست هزار دانش‌آموز در این مدارس تحصیل می‌کنند. در واقع اعتبار و موفقیت این مدارس بر اساس همین آمار یعنی یک‌میلیون و دویست هزار دانش‌آموز محصل در مدارس غیردولتی به نسبت دوازده میلیون و پانصد هزار دانش‌آموز محصل در مدارس دولتی می‌باشد.

سحرخیز بیان کرد: با توجه به این که بعضی از مدارس غیردولتی بسیار موفق بوده‌اند اما مدارس غیردولتی هم وجود دارند که از مکان‌ها و فضاهای آموزشی غیر استاندارد استفاده می‌کنند و به صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان توجهی نمی‌کنند.

وی در ادامه گفت: من موافق توسعه‌ی هدفمند و ضابطه‌مند مردم، از جمله تأسیس مدارس غیردولتی و همچنین طرفدار بالا بردن بهره‌وری آموزش و پرورش هستم. منابع آموزش و پرورش باید مدیریت شود و نباید نگاه مصرف‌گرایانه

هم در حال و در سند تحول بنیادین داده است. بحث دومی به وجود می‌آید که ما از ظرفیت‌های مؤسسان که توانمند هستند و از مدارس موفق در جاهایی که شرایط آموزش و پرورش مناسب نیست، استفاده کنیم و این قضیه متفاوت است با این که ما می‌خواهیم خصوصی‌سازی کنیم. زمانی که ما از بخش خصوصی کمک می‌گیریم حتماً باید اصل سی قانون اساسی رعایت شود و جایی که برایمان مقدور است به روش‌های خرید خدمات آموزشی و یا تکمیل صندلی خالی و یا استفاده از فضاهای مدارس غیردولتی یا برعکس آن استفاده کنیم، این کمک‌ها ممکن است مقطعی صورت بگیرد. هنگامی که فارغ‌التحصیلان دانشگاه فرهنگیان از مهر سال آینده به مدارس ورود پیدا کنند مدرسی که برای تأمین نیروی انسانی خود از بخش غیردولتی استفاده می‌کردند دیگر نیازی به این معلمان نخواهند داشت. با این طرح معلمان دولتی کمرنگ نمی‌شوند بلکه آن‌ها را تقویت می‌کنند. به‌طور مثال در یک کلاس که تراکم دانش‌آموزان زیاد است می‌توان با این کار معلم را در امر آموزش کمک کرد تا با دانش‌آموزان کمتر، بهره‌وری بیشتری در کلاس داشته باشد. مدیر مدرسه از طرف وزارت آموزش و پرورش ابلاغ می‌خورد و در قبال ما مسئول است. صلاحیت مؤسس هم طبق کمیته‌ای که در استان تشکیل می‌شود بررسی می‌شود و مجوز داده می‌شود. هر معلمی که معرفی می‌شود باید گزینش شود و در بازرس‌ها باید شماره‌ی گزینشی آن‌ها وجود داشته باشد و برنامه‌ای در این خصوص در حال نگاشت می‌باشد. استفاده از ظرفیت‌ها و کمک‌های بخش غیردولتی بستگی به شرایط آموزش و پرورش دارد و طبق سند تحول بنیادین در راستای برنامه‌ی ششم می‌باشد. حمایت مالی که دولت برای بخش مدارس غیردولتی داشته متناسب با نیازهای مدرسه بوده است.

قانون به‌واسطه‌ی همین قانون توسط وزارت آموزش و پرورش در مقطع ۶ تا ۲۰ سال داده شده است. در حوزه‌های نظارتی که می‌خواهیم اقدامات اجرایی و یا راه‌اندازی بخش‌های حمایتی را داشته باشیم به‌اتفاق اعضای محترم کمیسیون آموزش و تحقیقات به این نتیجه رسیدیم که این قانون را دائمی کنیم. دولت در سال گذشته تقاضای دو سال تمدید کرد. با توجه به اینکه یک طرح مشترک بین ما و نمایندگان محترم مجلس بررسی شد ولی اشکالی که شورای محترم نگهبان گرفت این بود که دولت تقاضای تمدید کرده ولی مجلس دائمی شدن را مصوب کرده و ایراد شورای نگهبان کاملاً صحیح بود؛ بنابراین آنچه مورد تأیید و تصویب نمایندگان محترم مجلس قرار گرفت مجدداً در دولت با بقیه‌ی دستگاه‌های اجرایی مورد بحث و بررسی قرار گرفت و خوشبختانه روی همان طرح توافق نظر به وجود آمد و مجدداً تقدیم مجلس شد.

امیدواریم بعد از انتخابات در یک فرصت مناسب این بحث به صحن علنی و انشاء الله به هیئت‌رئیس‌ه برود و دائمی شود. این یک بحث است یعنی ما یک دسته مدرسه داریم که افراد یا حقیقی هستند یا حقوقی مراجعه می‌کنند، در چهارچوب نظام آموزش و پرورش با نظارت و گزینش و تأیید حراست آموزش و پرورش اجازه پیدا می‌کنند همان دروس همان کتاب‌ها و همان مطالب را به بچه‌های عزیز ما آموزش بدهند و خانواده‌هایی هم که فرزندانشان را به این مدارس می‌فرستند خودشان تمایل دارند بنابراین هیچ اجباری برای این مدارس وجود ندارد و طیف وسیعی هم هستند. بعضی از آن‌ها دقیقاً مدرسی هستند عام‌المنفعه و بعضی مدرسی هستند غیردولتی و بعضی مدرسی وابسته به دستگاه‌ها، حوزه‌ها و افراد دینی خیلی باسابقه و با دانشگاهی هستند. بعضی از آن‌ها هم فقط در حد یک شخص حقیقی، مدیران و معلمان بازنشسته‌ی ما هستند. هیچ‌کس هم برای فرستادن دانش‌آموز به این مدارس اجباری نمی‌کند. پس نظام آموزشی آن یا نظام آموزشی کشور یکی است، معلم آن مورد تأیید و تمام کارکنان و کادر آن مورد تأیید گزینش آموزش و پرورش قرار می‌گیرد و امتحاناتشان مورد تأیید و عیناً مشابه مدارس دولتی است؛ بنابراین این معنای خصوصی‌سازی ندارد بلکه اختیاری است که خود قانون‌گذار هم در گذشته و



مرضیه گرد
معاون وزیر آموزش و پرورش

و پرورش یک نهاد حاکمیتی است پس برای نهاد حاکمیتی می‌شود طرح‌هایی را تعریف کرد به‌عنوان مشارکت با بخش خصوصی نه خصوصی‌سازی. کاری که ما در آموزش و پرورش انجام می‌دهیم یک کار صنفی خاص یا یک کار تولیدی نیست. درست است در کنار کار ما کار تولید دانش و محصولات علمی هم مشاهده می‌شود اما با انسان‌ها سروکار داریم. یعنی که ما داریم استفاده از ظرفیت‌های بخش خصوصی است. حرف دل ما این است که ما برای اجرای دو نقش هدایتی و حمایتی، نظارتی را داشته باشیم. برای همین تأسیس مدارس غیردولتی از بعد از انقلاب تا کنون با یک قانون و اصلاحیه‌ی موقت اداره شده. ما دنبال رسمی کردن و دائمی کردن این قانون هستیم. با دائمی کردن این قانون از بسیاری برآکندگی‌های کاری جلوگیری خواهد شد. به‌عنوان مثال نظارت بر مراکز آموزشی در این

مرضیه گرد در مورد خصوصی‌سازی مدارس بیان داشت: صادقانه به مردم پیام ما را برسانید که وزارت آموزش و پرورش هیچ‌گونه برنامه‌ای برای خصوصی‌سازی ندارد. ما در این مجموعه به استناد سند تحول بنیادین یک نوع مجوز داریم که مدارس غیردولتی را در چهارچوب قانون داشته باشیم و توسعه و فعالیت‌ها و نظارت‌ها و حمایت‌های ما هم بر این مدارس وجود داشته باشد. متأسفانه عده‌ای با عنوان بحث خصوصی‌سازی در برنامه‌ی ششم اذهان مردم و فرهنگیان را به هم ریخته‌اند. بنده این مسئله را در جلسات و در رسانه‌ها مطرح نمودم. وزیر محترم آموزش و پرورش هم این مسئله را بیان کرده‌اند. بحث ما بحث دائمی کردن قانون تأسیس مدارس غیردولتی بوده و هست. نمایندگان محترم در جریان بودند که از زمان دولت قبل هم این مسئله مطرح بوده و در دولت فعلی هم وجود دارد. ما برای این تعریف داریم؛ آموزش

اندر حکایت خصوصی سازی مدارس؛

از بار دولت را بخش خصوصی به دوش می‌گیرد و دولت می‌تواند سیاست‌گذاری و نظارت قوی‌تری داشته باشد و مردم هم سرمایه‌های خودشان را در بخش آموزش هزینه می‌کنند و بار مالی دولت را هم کم می‌کنند.

وی در مورد تشخیص صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان بیان داشت: این بحث در مجلس بر مبنای اساسنامه‌ی مدارس غیردولتی در حال پیگیری است که قالباً می‌بایست همانند مدارس دولتی باشد؛ اگر معلمی که وارد مدارس غیردولتی می‌شود فارغ التحصیل تربیت‌معلم باشد، همچنین ظرفیتی برای آموزش علمی معلم باز شود، به عقیده‌ی بنده مشکلاتی که هست برطرف می‌شود. در غیر این صورت هر فردی که لیسانس و فوق‌لیسانس گرفته باشد و نباید در مدارس غیردولتی تدریس کند، هم شیوه‌ی آموزشی و هم شیوه‌ی پرورشی بلد نیست و صدمه‌ای جدی به آموزش و پرورش وارد می‌شود. ما باید این را در اساسنامه مدارس غیردولتی اصلاح کنیم.

و در آخر در مورد بسته‌های حمایتی و نظارتی گفت: این بسته‌ی حمایتی که در دولت آقای روحانی، آقای فانی مطرح کردند یک طرح خود درآوردی است؛ که هیچ جای قانون، نه قانون اساسی و نه مجلس، چنین مجوزی را به دولت ندادیم که بسته‌ی حمایتی به سازمان‌های شبه‌دولتی شکل بدهند. این یک ضربه به مدارس دولتی است و در آموزش کشور فساد ایجاد می‌کند. این بسته هیچ توجیه قانونی ندارد و مجلس با این بسته و طرح، مقابله و مخالفت می‌کند. مجلس با اصل بسته‌ی حمایتی مخالفت کرده؛ یعنی بسته‌ی حمایتی جز در مواردی که پوشش تحصیلی نیست می‌تواند فعالیت کند. به اعتقاد بنده آموزش و پرورش باید برگردد به اصل خودش که همان سازمان مدارس غیردولتی است و از آن طریق بخش خصوصی را وارد آموزش کند.

غیرانتفاعی را تبدیل به غیردولتی کردند و مدارس غیردولتی هم به مدرسی گفته می‌شود که بخش خصوصی می‌سازد و فعالیت‌های آموزشی‌اش را خودش انجام می‌دهد. آموزش و پرورش فقط سیاست‌گذاری می‌کند و در بخش آموزش مدارس روی اجرای آموزش نظارت می‌کند و این منافاتی با اصل ۳۰ و ۴۴ ندارد.

در ادامه وی در مورد بحث پرورشی این مدارس بیان داشت: متأسفانه در سیاست‌گذاری آموزش و پرورش، آموزش را بر پرورش ترجیح دادند؛ چرا که اکنون بر اساس تقسیم بندی صورت گرفته بیان می‌دارند که فعالیت‌های گروه یک، یعنی آموزش اجتناب ناپذیر است؛ یعنی حتماً باید در کلاس معلم داشته باشیم. در فعالیت‌های گروه دو که بخش مشاوره و پرورش را مطرح می‌کنند بیان می‌دارند که ما اگر معلم داشته باشیم پرورش می‌دهیم در صورتی که این دیدگاه درستی نیست و تقریباً کم‌رنگ کردن بحث پرورشی در مدارس است. متأسفانه دولت‌ها که اداره‌ی کشور را به عهده می‌گیرند سیاست‌های آن‌ها دربار‌ی آموزش و پرورش سیاست‌هایی نوسانی است. از همین باب است که سند تحول بنیادین را به‌عنوان یک راهکار برای تنظیم این سیاست‌ها تدوین کردند که هر کسی که می‌آید بر اساس این سند قانون تصویب کند. در کنار این عمل، هم مجلس مراقب این سند باشد و هم دولت‌مردان مراقب این سند باشند که از چهارچوب خودش خارج نشود. متأسفانه افرادی که می‌آیند به دیدگاه شخصی خودشان عمل می‌کنند.

در بحث مزایای طرح خصوصی‌سازی مدارس وی بیان داشت که: در طرح خصوصی‌سازی مدارس ما در بحث فعالیت‌های مردمی به‌هیچ‌وجه بر اساس قانون اساسی نمی‌توانیم مانع بشویم که مردم در بخش‌های آموزشی سرمایه‌گذاری نکنند؛ چه در ساختمان‌سازی آموزش چه در خود آموزش و این را هیچ جای قانون اساسی منع نکرده. هر جا پوشش آموزشی نباشد دولت به ارائه‌ی خدمات آموزشی کامل موظف است. حال آنکه شخصی مایل است فرزند خود را به مدرسه‌ی غیردولتی بفرستد، اینجا قانون اساسی نگفته شما مانع مردم بشوید و از مزایای این طرح این است که بخشی



جبار کوچکی نژاد
نماینده مجلس شورای اسلامی

معیاری خارج از سازمان مدارس غیردولتی که در بحث آموزشی مطرح کردند که تعدادی معلمین شرکتی گرفتن و یک شرکت خدماتی به این‌ها حقوق داد به دستور آقای حاجی بابایی منحل شد؛ در زمان آقای فانی هم یک بحثی به‌عنوان بسته‌های حمایتی از یک تعدادی مدارس دولتی و واگذار شدن به بخش خصوصی که این هم خلاف قانون مجلس و بودجه است که در اصل چهل و چهار یک تبصره وجود دارد که واگذاری هرگونه مدارس ممنوع است جز به جاهایی که پوشش تحصیلی نیست و می‌تواند مدارس خودش را به بخش غیردولتی واگذار کند.

آقای کوچکی نژاد در مورد قانون مدارس غیرانتفاعی و غیردولتی و تفاوت‌های آن اظهار داشتند که: این دو باهم منافاتی ندارند، از زمان قبل از انقلاب مدارس ملکی بودند و بعد از انقلاب هم مدارس غیردولتی شدند. مدارس غیردولتی، بر اساس قانون سازمان مدارس غیردولتی اعلام می‌کند ما مدارس غیرانتفاعی نداریم همان مدارس غیردولتی را داریم؛ تا حدود ۷ یا ۸ سال قبل این مدارس غیرانتفاعی بودند منتهی وقتی می‌خواستند قانون مدارس غیرانتفاعی را در مجلس بنویسند؛ در مجلس ششم یا هفتم این

جبار کوچکی نژاد نماینده‌ی مجلس شورای اسلامی، در مورد طرح خصوصی‌سازی مدارس گفت: در بحث خصوصی‌سازی واحدهای آموزشی در آموزش و پرورش، اصل ۳ قانون اساسی و اصل ۳۰ قانون اساسی تأکید می‌کنند که آموزش و آموزش عمومی تا دوره‌ی متوسطه به عهده‌ی دولت است. اصل ۴۴ قانون اساسی نیز می‌گوید که مردم می‌توانند در بخش خدمات آموزشی و بخش اقتصادی و بخش‌های مختلف سرمایه‌گذاری کنند. بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی بخش خصوصی می‌تواند در حوزه‌ی آموزشی کشور فعالیت کند. بنده معتقدم این بحث‌هایی که این روزها مطرح می‌شود یعنی خرید خدمات، اشتباهی است که ناشی از اشتباه فہمی از قانون اساسی و قوانین داخلی مجلس شورای اسلامی است. ما اگر بخواهیم بخش خصوصی را در مدارس فعال کنیم تنها راه آن همین مدارس غیردولتی است و عمل کردن به قوانین سازمان مدارس غیردولتی است که به‌طور شفاف مشخص می‌کند مدارس غیردولتی به چه صورت در بخش آموزش کشور می‌توانند حضور پیدا کنند و به دولت در بخش آموزش کمک کنند. کوچکی نژاد بیان کرد: بنده معتقد هستم هرگونه

ما به آن‌ها مدارس اسلامی می‌گوییم؛ یعنی با انگیزه‌ی اسلامی تأسیس شده‌اند. پس می‌بایست ابتدا بعد پرورشی، سپس بعد آموزشی و پس‌از آن بعد مالی و اداری را در وزارت آموزش و پرورش و اجرای این طرح مدنظر قرار داد.

وی در مورد بسته‌ی حمایتی و نظارتی اظهار داشت که: اگر این حمایت صورت بگیرد و به‌طور صحیح اجرا شود خودش بهترین نظارت است. چون مانند سایر سازمان‌های عام‌المنفعه اساسنامه را پذیرفته‌اند، در اینجا حمایت کردن یعنی جهت دادن حمایتی؛ که این حمایت ناظر به نظارت است. آیین‌نامه می‌گوید به ازای کمک و وام باید تعداد مشخصی دانش‌آموز در این مدارس ثبت‌نام کنند یعنی اگر با این رویکرد کار کنیم آن نگرانی که این مدارس مخصوص افراد پولدار است از بین می‌رود.

وی در ادامه افزود: باید اداره‌ی مدارس واگذار شود به انسان‌های متدین و آگاه به مسائل تربیتی و آموزشی با یک سری شرایط نظارتی و حمایتی دولت؛ همچنین آموزش یک امر حکومتی است و خدماتی نیست که دست هر کسی سپرده شود. سیاست‌هایی که در آن جامعه اعمال می‌شود باید تابع سیاست‌های حکومت و نظام باشد.

و در آخر به این نکته اشاره کردند که: ما باید در طولانی مدت آموزش و پرورش را ببینیم که نگاه‌های مقطعی و کوتاه‌مدت به یک معضل تبدیل شده و ارائه‌ی یک راهکار بدون تفکر دقیق و برنامه‌ریزی باعث زمین خوردن شدید آموزش و پرورش در طولانی مدت می‌شود.



مهندس محمود فرشیدی
وزیر اسبق آموزش و پرورش

تربیتی بیایند و باری از روی دوش دولت بردارند. این دو خیلی با هم تفاوت دارند. به این معنا که اگر شما خصوصی‌سازی را به معنای اقتصادی بدانید آن وقت فردی که انگیزه‌ی اقتصادی موردنظرش است پیش قدم می‌شود و هدفش از این پیش قدم شدن این است که سود بیشتری ببرد؛ اما اگر کسی نگاهش رویکرد فرهنگی است هدفش این است که کار تربیتی انجام دهد طوری که بهترین آموزش و پرورش را به ثمر برساند؛ ما هم اکنون در تهران مدارس غیردولتی داریم که عالی‌ترین خدمات آموزشی و پرورشی در این مدارس صورت می‌پذیرد. دلیل این پیش‌تازی این است که وقتی مدرسه به یک شخص وارسته واگذار می‌شود، آن شخص سعی در پیش‌تازی و مدیریت قوی دارد؛ که

برای تفکرات سیاسی. این تفکرات غلط است که انسان و جامعه‌ی فرهنگیان را رنج می‌دهد. در زمینه‌ی مسائل اقتصادی ما دو مشخصه داریم که یکی از آن‌ها اصل ۳۰ قانون اساسی است که بیان داشته است که آموزش و پرورش تا پایان دوره‌ی متوسطه رایگان است و قانون دوم که مربوط به مدارس غیردولتی است بیان می‌کند اگر عده‌ای از مردم خواستند مدرسه‌ای بنا کنند و افرادی به‌صورت داوطلبانه خواستند شهریه فرزندان‌شان را بدهند قانونی است و مشکلی ندارد ولی مابین این‌ها چیزی نیست.

همچنین در ادامه در مورد مزایای اجرای صحیح این طرح گفت: عده‌ای که صلاحیت‌های لازم را دارند و نه با انگیزه‌ی اقتصادی بلکه با انگیزه‌ی فرهنگی و

مهندس محمود فرشیدی وزیر اسبق آموزش و پرورش، در مورد طرح خصوصی‌سازی مدارس گفت: یک طرح جامع و ویژه در آموزش و پرورش مطرح نیست که بتوان ناظر بر آن صحبت کرد. آنچه در آموزش و پرورش مطرح می‌شود بحث پیشنهادی است که دولت به عنوان قانون مدارس غیردولتی به مجلس ارائه کرده که به تصویب نهایی برسد و هم‌اکنون در کمیسیون مجلس در حال بررسی است. این طرح قریب به بیست سال به صورت آزمایشی در حال اجراست که از سال ۶۷ تصویب شده و به اجرا درآمده؛ اما این قانون به‌صورت آزمایشی بوده و هر چند سال یک بار تمدید می‌شده و اصلاحاتی اساسی در آن صورت می‌گرفته است، هم‌اکنون قصد دولت این است که آن را به‌صورت قانون دائم در بیاورد.

در ادامه در مورد معایب و کاستی‌های این طرح بیان داشتند که: در حال حاضر نگرانی‌هایی برای ما به وجود آمده که یکی از آن‌ها در زمینه‌ی خصوصی‌سازی در آموزش و پرورش به معنای منفی آن است و بحث دیگر این است که این طرح از نظر بنده در قانون اساسی مصداقی ندارد. در حال حاضر ضعف‌هایی که وجود دارد بیشتر در نظارت و دیدگاه‌ها است. مثل اینکه در ابتدا این مدارس نامشان غیرانتفاعی بوده و اکنون به غیردولتی تغییر کرده است و این یعنی سودآور شدن. حضرت آقا خیلی واضح و صریح در بیانات خود و در صدر سیاست‌های اجرایی سند تحول بنیادین، در اولین بند آن رسماً اعلام داشتند که آموزش و پرورش یک دستگاه مولد سرمایه‌ی اجتماعی است؛ اما در مقام اجرا، همچنان همان تفکری که در زمان اصلاحات هم بوده است حاکم است و تفکر بر این است که آموزش و پرورش دو ویژگی دارد یکی این که بودجه‌ی زیادی می‌برد و دوم اینکه لشکر زیاد بی‌جیره و مواجبی دارد که می‌توانیم از این‌ها یارگیری کنیم

ادامه سر مقاله

می‌توان به جنگ بیکاری رفت؛ می‌شود به جنگ رکود رفت؛ می‌شود گرانی را مهار کرد؛ می‌شود در مقابل تهدیدهای دشمنان ایستادگی کرد؛ می‌شود فرصت‌های بسیاری را برای کشور ایجاد کرد به شرطی که برای اقتصاد مقاومتی کار و تلاش درخور و صادقاته صورت گیرد و در عمل مقاومت اقتصادی حاصل گردد.

دیدگاه دوم، دیدگاهی است که همه دل سوزان انقلاب به آن معتقدند و در رأس همه مقام معظم رهبری قرار دارند که چند سالی است بر آن تأکید می‌نمایند و امسال را نیز به همین موضوع اختصاص داده‌اند و شعار سال را اقتصاد مقاومتی نام گذاری کرده‌اند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی پس از تعیین شعار سال، در اولین روز از سال نو، اقتصاد مقاومتی را راه مقابله با «اهداف پنهان و خطرناک تفکر تسلیم طلبانه‌ای» دانستند که آمریکا و عده‌ای در داخل سعی می‌کنند با ارائه یک‌دو راهی دروغین و مصنوعی، به ذهن نخبگان و افکار عمومی ملت ایران تزریق کنند. معظم له قائل به این هستند که این راه منطقی و درعین حال انقلابی، ایران عزیز را در مقابل تهدید و تحریم مصونیت می‌بخشد و دولت را قادر می‌کند در پرتو همدلی همگانی و کمک و هماهنگی سه قوه، در پایان سال جاری در مقابل مردم گزارش عینی و اعتمادآفرین ارائه دهد.

واقعیت آن است که باوجود گذشت ۲۷ سال از عمر پر خیروبرکت انقلاب اسلامی و به‌رغم موفقیت‌های چشمگیر و فتح قله‌های رفیع علمی، سیاسی، نظامی و ... و غلبه بر تمامی مسائل کوچک و بزرگ طبیعی و تحمیلی از ناحیه دشمنان، هنوز اقتصاد ایران، اقتصادی آسیب‌پذیر و وابسته است و به همین خاطر دشمنان انقلاب بدان چشم دوخته‌اند و امیدوارند تا از این روزنه نفوذ کنند و به جبران مافات بپردازند.

اقتصاد ایران اسلامی که می‌توانست باوجود نیروهای خلاق، مؤمن، باتکیه و جوان و همچنین برخورداری از منابع غنی خدادادی معدنی، کشاورزی، بازرگانی و ... در اوج شکوفایی و رشد قرار داشته باشد، بنا بر غفلت‌ها و در بعضی از مواقع به‌واسطه بی‌تدبیری‌ها و اتخاذ سیاست‌های غلط و ... همچنان بیمار مانده و نه‌تنها امروز نمی‌تواند از عهده معیشت و تأمین حداقل‌های زندگی مردم برآید بلکه، به‌واسطه مصرفی‌تر شدن و الگو گیری از اقتصاد سرمایه‌داری غربی به پاشنه آشیل جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است.

دشمنان انقلاب که در طی دوران بعد از پیروزی از هیچ اقدامی علیه انقلاب فروگذار نکرده‌اند، بعد از دشمنی‌های فراوان پیدا و پنهان در زمینه‌های مختلف سیاسی، نظامی، فرهنگی چشم امید به اقتصاد وابسته جمهوری اسلامی ایران دوخته‌اند و ذلیلاته تلاش می‌کنند بلکه با آخرین تیر ترکش خود، آب از دست‌رفته را به جوی بازگردانند و از قدرت گرفتن بیشتر جمهوری اسلامی جلوگیری نمایند.

دشمنان که همه راههای مقابله را یک‌به‌یک آزموده‌اند، چند سالی است که تحریم‌های اقتصادی را تنها راه چاره خود یافته‌اند و با به میدان آوردن همه بضاعت و توان خود حاضر شده‌اند انحاری عمل کنند و حتی به قیمت لطمه زدن به حیات اقتصادی خویش، فشار اقتصادی به ایران را افزایش دهند تا بلکه در اثر فشارها و تنگ شدن معیشت مردم، محاسبات مردم و مسئولان به هم بخورد و نظام اسلامی از اهداف و آرمانهای خود دست بردارد و از مبارزه و مقابله با نظام استکباری چشم‌پوشی کند. استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا امیدوار است از راه تحریم‌ها و با الگو معرفی کردن بر جام نه‌تنها مانع جمهوری اسلامی را کنار بگذارد، بلکه از بیداری اسلامی و آسوه شدن شیوه مبارزه ایران برای دیگر کشورها نیز جلوگیری به عمل آورد. دشمنان می‌خواهند با تزریق تفکر خاصی در میان نخبگان جامعه و سپس افکار عمومی کشور القا کنند که ملت ایران بر سر یک «دوراهی» قرار دارد و چارهای جز انتخاب یکی از این دو راه ندارد! دوراهی که آن‌ها ادعا می‌کنند این است که ملت ایران یا باید با آمریکا کنار بیاید و یا به‌طور دائم تحت فشارهای آمریکا و مشکلات ناشی از آن باشد. بر اساس این تفکر خاص، بیش از این تحمل فشارها ممکن نیست بلکه باید با دولتی همچون آمریکا کنار آمد و با قبول تحمیل‌های آن، از برخی «مواضع، اصول و خطوط قرمز» صرف‌نظر کرد.

این تفکر دو هدف مهم و تغییر رفتار ایران و جلوگیری از حرکت رو به رشد جریان مقاومت را همزمان دنبال می‌کند و سعی دارد با فشارهای ظالمانه کاری کند تا بتواند به آزادی خواهان جهان نشان دهد که ایستادگی و مقاومت در مقابل نظم سرمایه‌داری راه مقرون‌به‌صرفه‌ای نیست و جز هزینه و سختی چیزی در بر ندارد و سرانجام آن تسلیم و کوتاه آمدن و پذیرش همکاری و همنوایی با نظام سلطه و استکبار است. دشمنان نمی‌خواهند ایران اسلامی موفق شود و دین را سرلوحه زندگی اجتماعی و سیاسی قرار دهد و الگوی دیگر کشورها قرار گیرد. لذا بر چالش اقتصادی جمهوری اسلامی تمرکز کرده‌اند و بر طبل تحریم می‌کوبند تا شاید مانع حرکت رو به رشد انقلاب شوند.

در مقابل رهبر معظم انقلاب نه‌تنها تسلیم فشارها نمی‌شوند بلکه با طرح ایده اقتصاد مقاومتی اعلام می‌نمایند «راه برون‌رفت از مشکل اقتصادی، تقویت ساخت داخلی و قطع وابستگی دائمی از نفت است» و لذا پس از چندین مرحله تأکید بر این مهم سرانجام شعار سال ۹۵ را اقتصاد مقاومتی اقدام و عمل قرار می‌دهند و از همگان می‌خواهند تا با حرکتی شجاعانه و ابتکارآرمانه ظرفیت‌های داخلی کشور را فعال نمایند و با بهره‌گیری از فرصت تحریم‌ها و تکیه بر قابلیت‌ها و توانایی‌ها، اقتصاد مردمی مقاوم را شکل دهند و گامی اساسی برای شکل‌گیری اقتصاد اسلامی بردارند.

اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که بومی یک ملت است و نه‌تنها قادر به رفع نیازمندی‌های زندگی آن‌هاست بلکه به آن ملت امکان می‌دهد که حتی در شرایط فشار هم رشد و شکوفایی خودشان را داشته باشند. اقتصاد مقاومتی نقطه مقابل اقتصاد وابسته و سرمایه‌داری غرب است که می‌تواند با تکیه بر قابلیت‌های بومی و ملی، زندگی مردم را از فقر و تنگدستی نجات دهد و زمینه‌های برقراری عدالت و پیشرفت را نیز بوجود آورد.

تحقق اقتصاد مقاومتی و خلق فرصت برای کشور و نجات مردم از چالش اساسی معیشت نیازمند همت، انگیزه، تلاش، کار، رشادت، ایثار، ازخودگذشتگی و... است که می‌بایست در همه دستگاه‌های مسئول بکار گرفته شود و به طراحی و برنامه‌ریزی عملی منجر شود تا در بخش‌های مختلف اجرایی جامعه عمل بیوشد. همه دستگاه‌های نظام و تمامی مسئولان برای این منظور وظیفه و مسئولیت دارند. اما از آنجاکه هر کاری بدون فرهنگ‌سازی و بدون وجود زمینه‌های فکری، اجتماعی و بسیج نیروها و توانمندسازی عناصر و عوامل، امکان اجرا پیدا نمی‌کند، از این‌رو وظیفه و مسئولیت نهاد تعلیم و تربیت بیشتر و مقدم بر سایر دستگاه‌ها می‌شود.

دستگاه عظیم آموزش و پرورش و کارکنان و معلمان فرهیخته و دلسوز آن نه‌تنها باید در کنار دیگر دستگاه‌ها، بلکه به‌عنوان بخشی از نقشه‌ی راه آینده کشور عمل کنند و نسل آینده جامعه اسلامی را به‌گونه‌ای پروراند که برای همیشه ریشه وابستگی و عقب افتادگی در این کشور خشکساخته شود و در کوتاه‌مدت نظام تعلیم و تربیت رسمی باید در جهت تحقق مسئله اول کشور قرار گیرد و زمینه‌ساز و همکار فعال دولت و ملت برای اجرایی شدن اقتصاد مقاومتی و ده پیشنهاد اساسی در این زمینه باشد؛ یعنی آموزش و پرورش به‌عنوان مهم‌ترین نهاد فرهنگ‌ساز و مهارت افزا، باید همه ظرفیت‌های خود را بکار بگیرد تا دولت و دستگاه‌های مسئول بتوانند برای «شناسایی و تمرکز بر فعالیت‌ها و زنجیره‌های مزیت دار اقتصادی»، «احیا و به حرکت درآوردن تولید داخلی» و «برای ایجاد اشتغال و تحرک اقتصادی» و... اقدام عملی انجام دهند. آن شاه الله

رویای خواندن

شمیم کمر بسته



متناسب باشد.

علاوه بر روش ذکر شده، می‌توان متناسب با نوع مشکل مشخص شده، تمرین‌ها و راهکارهایی را پیشنهاد داد:

الف) مشکلات زبان و تکلم: شامل اشکال در تلفظ، اشکال در تشخیص صدای حروف، تکرار یک حرف در کلمه و... می‌باشد که می‌توان به این تمرین‌ها اشاره کرد:

۱. تصاویری را انتخاب کنید، کودک نام آنها را با صدای بلند تلفظ کند. البته واژه‌هایی را انتخاب کنید که صدا و حرف مورد نظر را داشته باشند.
۲. کلماتی را اشتباه تلفظ می‌کنیم و از کودک می‌خواهیم تلفظ صحیح آن را بگوید.
۳. تقلید صدای حیوانات مختلف مثل خروس، مرغ و جوجه می‌تواند برای فهم صداها مفید باشد.

اختلالات خواندن، شایع ترین نوع اختلالات یادگیری معرفی شده است که نه تنها خود فرد بلکه خانواده و جامعه ی او را نیز تحت تاثیر قرار می دهد.

ب) حافظه شنیداری و توالی شنیداری: مشکلاتی مانند فراموش کردن صدای حروف، فراموش کردن کلمه ابتدایی جمله، فراموش کردن مفاهیمی که می‌خواند و... می‌باشد که معلم می‌تواند ابتدا دو حرف را تلفظ کند و از دانش آموز بخواهد که به ترتیب صداها را تلفظ کند و همین‌طور ادامه دهد تا به سطح مورد نظر برسد. همچنین معلم می‌تواند یک عبارت چند جمله‌ای برای دانش آموز بخواند و از او بخواهد مفهومی را به زبان خودش بیان کند.

ج) مشکلات مربوط به ادراک و تمییز دیداری، حافظه و توالی دیداری: دانش آموزان در تشخیص دیداری حروف و یا کلماتی که ظاهر مشابه دارند، درست ندیدن کلمه، تغییر افعال به میل خودشان، معکوس کردن کلمه و... مشکل دارند. در این موارد معلمان می‌توانند از آنها بخواهند تفاوت‌ها و شباهت‌ها را در شکل‌های مختلف بیان کنند و یا تشخیص دهد که کلمه مورد نظر معلم با چه حرفی شروع یا به اتمام رسیده است.

باید توجه داشت که راهکارهای ارائه شده، فقط بخشی از روش‌های بسیاری است که می‌توان برای درمان این اختلالات استفاده کرد. معلمان و والدین با آگاهی از این روش‌ها و همچنین صبوری پیشه کردن، می‌توانند مشکلات کودکان را با هزینه‌های کم برطرف سازند و کودکان را برای پیشرفت در یادگیری تشویق کنند.

منابع:

- ۱- نکته‌های کاربردی برای آموزش دانش آموزان با اختلال یادگیری. مجله تعلیم و تربیت استثنایی.
- ۲- اختلال خواندن و ریاضی. مجله رشد مشاور مدرسه.

۳- <http://www.ichoosh.ir>
۴- Dyslexia: The developmental reading disorder. International Pharmaceutical Science

خواندن، مهارتی است که فرد را به درک پیام جمله و متن می‌رساند. توانایی خواندن یکی از مهم‌ترین مهارت‌هایی است که دانش آموزان، در طول سال‌های اولیه تحصیل خود کسب می‌کنند. این توانایی، پایه و اساس یادگیری در موضوعات مختلف است و همچنین می‌توان گفت از جمله عوامل مهم پیشرفت انسان به شمار می‌آید. با این وجود کودکان بسیاری برخلاف اینکه ظاهری طبیعی و هوشی کم و بیش عادی دارند، در توانایی خواندن ضعف دارند و از اختلال خواندن (reading disorder) رنج می‌برند. در پژوهش‌های بسیاری اختلالات خواندن، شایع‌ترین نوع اختلالات یادگیری معرفی شده است که نه تنها خود فرد بلکه خانواده و جامعه‌ی او را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد. اختلال خواندن در پسران سه تا چهار برابر دختران است.

دیس لکسیا (Dyslexia)، اصطلاحی گسترده و نوعی اختلال یادگیری است که آسیب‌های روانی کلامی، توانایی دقت در خواندن، صحبت کردن و هجی کردن را دربرمی‌گیرد و می‌تواند در آگاهی واج‌شناسی، رمزگشایی املا، حافظه شنوایی کوتاه‌مدت و نام‌گذاری سریع، مشکلاتی را ایجاد کند. دیس لکسیا یا خوانش پریشی که به آن اختلال رشدی در خواندن هم گفته می‌شود، یکی از انواع اختلالات خواندن و عارضه‌ای است که در آن مغز نمی‌تواند به درستی تصاویر معنی مانند اعداد و حروف را پردازش کند. این عارضه ناشی از اشکال در منطقه‌ای از مغز است که وظیفه پردازش زبان را به عهده دارد و توانایی کودک برای خواندن را مختل می‌کند. کودکی که مبتلا به دیس لکسیا است به‌طور معمول تا قبل از ورود به مدرسه مشکلی ندارد. کودک با شروع آموزش‌ها تازه متوجه می‌شود که نمی‌تواند قدم به قدم با دیگران پیش برود و این امر، وی را آن قدر پریشان حال می‌کند که یا کلاس را به هم می‌ریزد یا گوشه‌گیر می‌شود. علامت دیس لکسیا شامل مشکلات در درک جملات ساده و اشکال در درک قافیه‌ها و شناخت کلمات است. دیس لکسیا همچنین باعث اشکال در شناخت کلمات نوشته شده با صداها می‌شود. در نتیجه کودک مبتلا به دیس لکسیا در خواندن نوشته‌ها کند عمل می‌کند.

نشانه‌ها و علائم اختلالات خواندن

۱. دانش آموز در تشخیص حروف الفبا و صدای آنها مشکل دارد (در هر پایه نه فقط پایه اول)
۲. به اشتباه حرفی را به جای حرفی دیگر و یا صدایی را به جای صدای دیگر به کار می‌برد.
۳. کلمات را به صورت معکوس می‌خواند (روز = زور).
۴. خط را در هنگام خواندن گم می‌کند.
۵. برخی کلمات را جا می‌اندازد.
۶. متن را کند و یا بریده بریده می‌خواند.
۷. در بخش کردن و صدا کشی مشکل دارد.
۸. گاهی افعال را به میل خود تغییر می‌دهد.
۹. برخی کلمات را فقط از روی حرف اول و آخر آنها می‌خواند (کباب به جای کتباب).
۱۰. دانش آموز قادر به درک مطلب نیست.

روش‌های درمان این اختلال

یکی از روش‌های درمان اختلالات خواندن، روش چند حسی فرنالند (Visual, Auditory, Kinesthetic, Tactile) یا VAKT یا درواقع همان روش «تعقیب حسی» می‌باشد. در این روش به کودکان داستان‌های خاصی که ویژه هر کدام از آن‌هاست گفته و آنقدر تکرار می‌شود که آن‌ها را خوب یاد بگیرند. بنابراین، دانش آموز دارای یک خزانه لغات انتخابی خواهد بود. در این روش کودکان لغت را می‌گویند، لغت نوشته شده را می‌بینند، روی آن با انگشت دست می‌کشند و آن را ردیابی می‌کنند، لغت را با استفاده از حافظه خود می‌نویسند، دوباره لغت را می‌بینند و آن را با صدای بلند برای معلم خود می‌خوانند.

روش فرنالند اصول چند گانه ای دارد :

۱. هرگز به دانش آموزان نگویید چه بخوانند بلکه آنها باید هر چه دوست دارند بخوانند.
۲. دانش آموزان هیچ وقت معنی کلمات را نمی‌دانند مگر اینکه قبل از خواندن پاراگراف یک نگاه اجمالی به آن بیاندازند تا کلمات نا آشنا را بیابند.
۳. در هر مرحله موضوعات باید با سن و هوش دانش آموز

تلخ چون تهایی

زهرا سرداری



خیلی ها هم هستند که نمی بینند، چشم هایشان را بسته اند و تو را آدمی دیگر می بینند، آن جور که دلشان می خواهد، آن جور که خیال می کنند، برای همین چشمشان را که باز می کنند فقط برایت حسرت می خورند، تازه می فهمند که چقدر دیر شده، این ها همان آدم هایی هستند که اگر به موقع چشمشان باز باشد می توانند دستت را بگیرند، می توانند راحت را عوض کنند.

به خودم می گویم اگر این دانش آموز که آینده مال اوست از آینده یک کلبوس دارد، اگر بخواهد به من معلم چیزی بگوید، چه می گوید؟ بخاطر خوب فهمیدن کدام فرمول و آزمایش از من تشکر می کند؟ به خاطر کدام مثبت یا کدام نمره بیست برایم دعا می کند؟؟؟

اعتماد به نفس و کمک و تشویق برای ادامه تحصیل و هم چنین کمک برای یافتن شخصیت واقعی دانش آموزان. باز هم فکر می کنم، به این راهکارها، به این دانش آموزان! یک جرعه گاهی آدم را نجات می دهد گاهی هم پرت می کند به سمت نابودی، باید ببینیم این جرعه چیست؟ از سمت کیست؟ همچنان به عکس نگاه می کنم، به آینده ای که پیش رو دارد، به فردایی که شاید امروز من بتوانم مسیرش را عوض کنم.

خودکار را گرفته ام، مدام می نویسم و خط می زنم، ذهنم را با همه وجود در دست گرفته ام و می فشارم شاید عصاره ای، ذره ای حرف تازه بیاید، موضوع اعتیاد است، واژه ای که یک دنیا حرف در خصوصش زده اند و می زنند.

لب تاب را روشن می کنم، می نویسم اعتیاد و بعد سرچ را می زنم، کلی عکس و مطلب، هر صفحه را جدا باز می کنم، بیشتر مطالب تکراری است و به اصطلاح فقط حرف است. اما عکس ها، عکس ها گویاتر از هر چیزی است، عکس پسر بچه ای که به سیگار پک می زند، همه نگاهم را پر می کند، عکس را بزرگ می کنم، مظلومیت خاص نگاهش باعث می شود نیم ساعتی همان طور خیره به چشمانش شوم، با خودم فکر می کنم، درباره ی آن پسر بچه، کسی که باید به فکر دفتر و کتابش باشد، کسی که باید دغدغه ی مشق فردایش را داشته باشد، آن وقت کنار آن جوی، چقدر تنهائید، چقدر بی صدا سوختن آینده ی شان را در پک های سیگار، در فشار سرتنگ نگاه می کنید. همه سرکوب می زند که نفهمیدی؟ چرا این کار را کردی؟ معلم او را به مدیر معرفی می کند، مدیر به خانواده و خانواده به نصیحت های مکرر، به نادانی آن بچه، کسی این وسط تنهایی هایش را نمی بیند.

گاهی آدم ها اشتباه می کنند، راهی را اشتباهی می روند، خیلی ها می دانند مسیرت اشتباه است اما فقط نگاه می کنند، انگار دلشان می خواهد به بن بست رسیدندت را ببینند، دلشان می خواهد زمین خوردنت را نگاه کنند، اما خیلی ها هم هستند که نمی بینند، چشم هایشان را بسته اند و تو را آدمی دیگر می بینند، آن جور که دلشان می خواهد، آن جور که خیال می کنند، برای همین چشمشان را که باز می کنند فقط برایت حسرت می خورند، تازه می فهمند که چقدر دیر شده، این ها همان آدم هایی هستند که اگر به موقع چشمشان باز باشد می توانند دستت را بگیرند، می توانند راحت را عوض کنند.

با خودم فکر می کنم، منی که معلم هستم؟ من باید چکار کنم؟ باید وقتی این جور دانش آموزی را



پیام تسلیت رئیس سازمان بسیج فرهنگیان کشور در پی درگذشت معلم سیستان و بلوچستانی مرحوم حمیدرضا گنگوزهی

بار دیگر دو معلم وارسته، ایثار و از خود گذشتگی را، نه تنها به دانش آموزان، بلکه به یکایک انسان ها آموختند. اگرچه رحلت معلم عزیز حمیدرضا گنگوزهی جامعه فرهنگیان کشور را داغدار کرد اما درس عملی آن بزرگمرد و معلم عزیز آقای عبدالرئوف شهنوازی که در این حادثه کم نظیر مجروح شد، آن قدر آموزنده و اسان ساز است که سوگ از دست دادن چنین سرمایه ای را قابل تحمل می نماید. این معلم فداکار، با رهیدن از وابستگی های پست دنیا، خدمت به آینده سازان مبین اسلامی را، آن هم در یک روستای محروم بافتنار پذیرفت و تا حد ایثار جان پیش رفت و با اقدامی مجاهدانه چندین دانش آموز را از مرگ حتمی نجات داد. بی شک، مجاهدت هایی از این دست، مخلوق انسان هایی است که از جهان بینی عمیق الهی بهره مند باشند و کار خدایستاده این دو معلم وارسته بر دفتر افتخارات معلمان و فرهنگیان مؤمن و ایثارگر ایران زمین تا همیشه تاریخ خواهد درخشید. این جانب به نمایندگی از جامعه فرهنگیان بسیجی کشور، این ضایعه دردناک را به محضر مقام معظم رهبری مدظله العالی ملت شریف ایران، جامعه فرهنگیان و به ویژه به خانواده و دانش آموزان داغدار آن عزیز تسلیت عرض نموده و غفران الهی را برای ایشان مسئلت می نمایم.

«شهید قدرت الله چگینی»

شهید شاخص بسیج فرهنگیان در سال ۹۵



مدیر فرهنگی سازمان بسیج فرهنگیان کشور با بیان اینکه «شهید قدرت الله چگینی» به عنوان شهید شاخص بسیج فرهنگیان در سال ۹۵ انتخاب شد، گفت: هدف از معرفی شهید شاخص، ارائه الگوی عملی ایثار و مجاهدت در راه خدا به جامعه فرهنگیان کشور است.

معرفی شهید شاخص همه ساله از سوی سازمان بسیج مستضعفین کاری بس نیک است که میتواند سیره نظری و عملی شهیدا را در یک پروسه زمانی برای نسل جوان و فرهنگیان به عنوان الگو معرفی کند. علیرضا رحمان زاده مدیر فرهنگی - اجتماعی سازمان بسیج فرهنگیان کشور در گفتگو با خبرنگار ماهنامه طلایه داران فرهنگ اظهار داشت: پس از بررسی های به عمل آمده از بین شهدای فرهنگی کشور، شهید گرانقدر قدرت الله چگینی به عنوان شهید شاخص بسیج فرهنگیان در سال ۹۵ به جامعه فرهنگیان کشور معرفی شد. وی با اشاره به دلیل این انتخاب گفت: شهید بزرگوار چگینی سوابق درخشان مبارزاتی با رژیم ستمشاهی در کارنامه خود داشت و زیر شکنجه های ساواک به درجه جانبازی نائل شد؛ وی علاوه بر مجاهدت در سنگر مدرسه و تعلیم و تربیت جوانان و نوجوانان، تأثیر زیادی در شکل گیری و هدایت جلسات مذهبی و سخنرانی های دینی و سیاسی داشته است.

رحمان زاده ادامه داد: شهید چگینی معاون آموزش و پرورش قزوین بود و از سال ها پیش از پیروزی انقلاب اسلامی متوجه انحراف فکری منافقین شد و لحظه ای از افشای ماهیت پلید آنها غافل نبود تا اینکه سرانجام در سحرگاه دوازده شهریور ۱۳۶۰ و زمانی که جهت تفسیر قرآن کریم عازم کلاس قرآن بود، بیکر پاکش توسط منافقین به خون نشست.

مدیر فرهنگی - اجتماعی بسیج فرهنگیان در ادامه گفت: سیره عملی شهید چگینی دارای ابعاد گوناگون و ممتازی است که فرهنگیان به بهانه این معرفی، امکان خواهند داشت به واکاوی این ابعاد پرداخته و آن را چراغ راه حرکت زندگی فردی و اجتماعی کنند.

وی در پایان گفت: هدف از معرفی شهید شاخص بسیج فرهنگیان کشور، ارائه الگوی عملی ایثار، از خودگذشتگی و مجاهدت در راه خدا به جامعه فرهنگیان کشور است که تأثیر بی بدیلی در تربیت نسل آینده ساز کشور دارند و امید است با این اقدام بتوانیم بخش از دین خود را در برابر شهدا ادا کنیم.

اخبار

باهدف تقدیر از آثار برگزیده علمی و پژوهشی برگزار می شود:



به گزارش خبرنگار طلایه داران فرهنگ، محمد پایندان مدیر علمی و پژوهشی سازمان بسیج فرهنگیان گفت: دوازدهمین جشنواره علمی و پژوهشی فرهنگیان بسیجی کشور به عنوان یکی از برنامه های محوری هفته ی گرامیداشت مقام معلم برگزار خواهد شد. دبیر این جشنواره عناوین و محورهای این جشنواره را برشمرده که عبارتند از:

- ۱- وظایف مسئولان، مردم، معلمان و... در ارتقاء شأن و منزلت معلم
- ۲- چالش های سند تحول بنیادین (درون سازمانی - برون سازمانی)
- ۳- دانشگاه فرهنگیان از آرمان تا واقعیت
- ۴- احساس مسئولیت معلمی در تعلیم و تربیت اسلام
- ۵- جایگاه آموزش و پرورش و معلم در تقویت غیرت و عفت عمومی
- ۶- آموزش و پرورش، معلم و مسائل اخلاقی جامعه
- ۷- اهداف و ابعاد تحریف خط امام (ره)
- ۸- جایگاه آموزش و پرورش در پروژه ی نفوذ
- ۹- فضای مجازی و نظام تعلیم و تربیت (فرصت ها و چالش ها)
- ۱۰- اهداف و ابزار نظام سلطه در تفرقه افکنی و دوقطبی کردن جامعه

مدیر علمی و پژوهشی سازمان بسیج فرهنگیان کشور بیان کرد: در این مراسم که در اردوگاه شهید باهنر برگزار می گردد از برگزیدگان محورهای ده گانه این جشنواره و از بین ۴۳۹۱ اثر رسیده به دبیرخانه جشنواره تقدیر خواهد شد.

هفت خوان هوشمند سازی



در این ۴۵ هزار مدرسه تعریف شده‌اند که در این صورت میانگین کلاس‌های هوشمند برای هر مدرسه به حدود ۴ کلاس می‌رسد که البته ممکن است برخی مدارس بیشتر از ۴ کلاس و برخی کمتر از این تعداد باشند. به ازای هر معلمی که به کلاس هوشمند می‌رود یک دوره ۹۶ ساعته احتیاج است، یعنی اگر ۲۰۰ هزار کلاس هوشمند داریم باید ۲۰۰ هزار معلم داشته باشیم که باید به هر معلم ۹۶ ساعت آموزش داده شود که در مجموع به ۲۰ میلیون نفر ساعت می‌رسد. میانگین هزینه آموزش ضمن خدمت برای هر ساعت نفر ۴ هزار تومان است که با این احتساب چیزی حدود ۸۰ میلیارد تومان اعتبار برای این کار نیاز است که در چند سال اخیر محقق نشده است. این به معنی این است که از هر ۱۰۰ کلاس تنها ۴ کلاس یا خوش‌بینانه ۵ معلم موفق شده‌اند آموزش‌های لازم از جمله تولید محتوا را ببینند، طبیعتاً انتظار هم باید این باشد که از ۴ تا ۵ درصد از این تجهیزات استفاده واقعی بشود. هرچند در عمل بیشتر از این میزان است چون بسیاری از معلم‌ها به این آموزش‌ها بسنده نکرده‌اند و خود این آموزش‌ها را فراگرفته‌اند یا مدیران از اعتباراتی که از استان‌ها و مناطق و خیرین به دستشان رسیده برای این بخش‌ها استفاده کرده‌اند. اما چیزی که واضح هست این است که چالش‌های بزرگی در دستیابی به آنچه در سند تحول بنیادین ذکر شده پیش روست و برای رسیدن به چشم اندازها همت مضاعف جامعه فرهنگیان برای بروز رسانی اطلاعات خود و حمایت دستگاه‌های اجرایی احتیاج است.



تعریف دیوید پرکینز و سایر اساتید دانشگاه هاروارد از مدارس هوشمند:

در مدارس هوشمند معلمان می‌توانند با استفاده از بانک‌های اطلاعاتی و برنامه‌های نرم افزاری دروس جدیدی را با توجه به نیازها و علایق دانش آموزان طراحی و یا این که دروس موجود را تغییر داده و اصلاح کنند.

دانش آموزان نقش یاددهنده و یادگیرنده را برعهده دارند. در این مدرسه، برنامه درسی محدودکننده نیست و به دانش آموزان اجازه داده می‌شود از برنامه‌های درس خود فراتر گام بردارند.

والدین دانش آموزان نیز می‌توانند با یک آموزش ساده به سیستم ارزشیابی مدرسه متصل شده و به این وسیله از وضعیت ورود پیشرفت تحصیلی فرزند خود آگاهی یابند.

دانش آموزان با داشتن یک رایانه در منزل همیشه با سیستم مدرسه خود در ارتباطند لذا می‌توان گفت مدارس هوشمند هیچ وقت تعطیل نیستند.

مدارس هوشمند محیطی است که جهت ایجاد محیط یاددهی - یادگیری و بهبود نظام مدیریتی مدرسه و تربیت دانش آموز پژوهنده مبتنی بر علم نوین طراحی شده است.

کشور ما از بی‌منظور حرکت به سوی اقتصاد دانش محور و رشد فناوری اطلاعات و ارتباطات در میان صنایع دیگر و اشتغال‌زایی در حوزه ICT از قابلیت‌های این حوزه در تمام زمینه‌ها از جمله آموزش و پرورش بهره برد. این کشور با ارائه طرح مدارس هوشمند کلاس‌های معمولی را به کلاس‌های الکترونیکی تبدیل کرد که در آن معلم به جای انتقال دانش و اطلاعات، قدرت قضاوت دانش آموزان در انتخاب اطلاعات از منابع مختلف را افزایش می‌دهد و زمینه یادگیری مادام‌العمر دانش آموزان و شهروندان ما را فراهم می‌آورد. در ایران نیز در سال تحصیلی ۱۳۸۳-۸۴ سازمان آموزش و پرورش تهران اقدام به راه‌اندازی مدارس هوشمند (Smart Schools) در چهار دبیرستان منتخب مناطق مختلف تهران نموده است. وزارت آموزش و پرورش با الهام از آموزه‌های دینی و مقتضیات زمان و به‌منظور تحقق اهداف سند چشم‌انداز ایران در سال ۱۴۰۴ و دستیابی به اهداف عالی نظام تعلیم و تربیت اقدام به توسعه و تجهیز مدارس هوشمند بر اساس معیارهای علمی، بین‌المللی و شرایط بومی در سطح کشور نموده است. از این رو برای نیل به این هدف نیاز به همتی مضاعف احتیاج داریم. آمارهای وزارت آموزش و پرورش نشان می‌دهد ۱۶۰ هزار کلاس هوشمند در مدارس کشور وجود دارد که طبق بخشنامه‌های ابلاغ‌شده تا پایان سال تحصیلی جاری می‌بایست به بیش از ۲۰۰ هزار کلاس برسد. کلاس‌هایی که در ۶۴ هزار مدرسه وارد فرایند هوشمند سازی شده‌اند. این موضوع طی یک فرایند آغاز می‌شود مثلاً اینکه مدارس سنتی که هیچ ابزار الکترونیکی ندارند از جایی وارد فرایند هوشمند سازی می‌شوند و روندی را طی می‌کنند که در آخرین مرحله به مدرسه هوشمند می‌رسد. مدارس هوشمند در ایران در پنج سطح مختلف تقسیم‌بندی شده است. مدرسه نیمه الکترونیک، الکترونیک، نیمه‌هوشمند، هوشمند و هوشمند پیشرفته. تا پایان سال ۹۴ برنامه وزارت آموزش و پرورش این بوده است که ۲۰۵ هزار و ۲۱۵ کلاس هوشمند در مدارس ایجاد شود که تا این لحظه حدود ۱۶۰ هزار کلاس محقق شده و بر اساس برنامه‌هایی که در استان‌ها وجود دارد این آمار باید به ۲۰۰ هزار کلاس برسد. این ۲۰۰ هزار کلاس متعلق به ۴۵ هزار مدرسه است. از ۱۰۵ هزار مدرسه موجود در کشور حدود ۶۴ هزار مدرسه وارد فرایند هوشمند سازی شده‌اند و آن ۲۰۰ هزار کلاسی که قرار است تا پایان سال به فرایند هوشمند سازی ملحق شوند

ارزشیابی از دانش آموزان به جای اینکه در مقاطع و نوبت‌های فاصله دار (آخر ترم، آخر صل) صورت پذیرد هرروز و به شکل آنلاین خواهد بود.

سیستم بر روی کامپیوتر مرکزی مدرسه نصب می‌شود و با اتصال به تعداد زیادی از خطوط تلفن در طول شبانه روز آماده ارائه خدمات است.

دانش آموزان اغلب بجای کیف‌های مملو از کتاب حجیم با وسایل الکترونیک مانند لب‌تاب، تبلت و آیپد وارد کلاس می‌شوند.

دانش آموزان هنگام ورود و خروج از مدرسه، با کارت دیجیتالی که در اختیار دارند، والدین خود را از ساعت آمد و رفت خود مطلع می‌سازد.

نقش معلمان تا حدود زیادی از آموزش و ارزشیابی دانش آموزان به پیگیری آموزش شخصی آنان تغییر می‌یابد.

دانش آموزان خودشان سرعت یادگیری‌شان را تعیین می‌کنند و ساعت یادگیری محدود به ساعت مدرسه نیست.



این الرَّجَبُیون

سلام بر بهار مناجات و بندگی. سلام بر نجوای شبانه اهالی رجب. سلام بر شب‌های رجب که پذیرای زاهدان است و سلام بر روزهایش که میزبان عاشقان وصال الهی است و سلام بر لحظه‌لحظه‌ی رجب که شاهد ذکر ذاکران است.

ماه رجب، از ماه‌های بزرگی است که طلوع سه امام معصوم، امام علی(ع)، امام محمدباقر(ع) و امام جواد(ع)، را در آن شاهدیم و شروع بزرگ‌ترین جنبش تاریخ بشری، یعنی برانگیخته شدن پیام‌آور مهر و محبت، محمد مصطفی(ص) برای هدایت و سعادت انسان‌ها، در آن اتفاق افتاده است.



نظرات خود را به شماره ۶۶۰۰۰۰۹۴ پیامک کنید تا در شماره‌های بعدی پیگیری کنیم.

دوستان عزیز، شما می‌توانید بدون هیچ هزینه‌ی مالی از بی‌ظن‌ترین رودخانه‌ای که بتوانید تصورش را نکنید، برای همیشه و تا ابد بهره ببرید. رودخانه‌ای که نوشیدن از آن، بهجت و شادمانی وصف‌ناشدنی را به همراه دارد. همه‌ی شما می‌توانید از همین امروز جای خود را در کنار این رودخانه‌ی شگفت‌انگیز و آرام‌بخش رزرو کنید. رودی که از شیر سفیدتر و از عسل شیرین تر است. نشانی این رود بی‌ظن‌ی را امام موسی کاظم علیه السلام به ما فرموده‌اند که: « رجب، نام نهری است در بهشت که از شیر سفیدتر و از عسل شیرین‌تر است و هرکس یک روز از این ماه را روزه بگیرد، البته از آن نهر بیاشامد.»

(وسائل الشیعه ج ۷ ص ۳۵۰ ح ۳)
سلام بر ماه رجب، ماه پیوند بندگانه با معبود مهربان، ماه بارش باران مهر و محبت الهی، ماه رسیدن به سرمنزل مقصود، و ماه انس شب‌زنده‌داران همیشه بیدار با محبوب و معبود بی‌همتا.

تعطیلات سال نو فرصت خوبی برای مسافرت‌های تفریحی، سیاحتی و زیارتی بود. شاید شما هم جزء افرادی بوده باشید که بخشی از تعطیلات نوروز را به سفر رفته‌اید. برخی از شما برای سفر، مکان‌های دیدنی کشور عزیزمان را که کم هم نیستند انتخاب کردید و برخی نیز ممکن است به خارج از کشور رفته باشید و از جاذبه‌های گردشگری کشور مقصدتان لذت برده باشید.

در روزگار ما و دنیای صنعتی و ماشینی امروز، جاذبه‌های طبیعی همچون کویر و رود و دریا و جنگل، روزبه‌روز جذابیت بیشتری پیدا می‌کند و فرح بخشی و لذت فراوان‌تری را به دنبال دارد. در این میان، افراد تمایل دارند طبیعت بکر و دست‌نخورده و جذابی را پیدا کنند و لذت و آرامش ناشی از بودن در آن محیط را تجربه کنند. اما واقعیت این است که چنین طبیعت بکر و ایده آلی را امروزه یا پیدا نمی‌کنیم و یا اگر پیدا کنیم با محدودیت‌هایی روبه‌رو هستیم مثلاً با هزینه‌ی سفر را نداریم یا به علت موقعیت جغرافیایی خاص آن محیط، امکان دسترسی وجود ندارد و یا از لحاظ زمانی محدودیت‌هایی داریم.

اما خیر خوشحال‌کننده این است که شما می‌توانید از یک طبیعت بکر و عالی و به‌طور مشخص از یک رودخانه‌ی متحصربه‌فرد، بدون هیچ محدودیتی بهره مند شوید.

شناسنامه
صاحب امتیاز: سازمان بسیج فرهنگیان
مدیر مسئول: دکتر شعبانعلی رمضانیان
سردبیر: ابوالفضل حسنی
مدیر فرهنگی: علیرضا رحمان زاده
هیئت تحریریه: فاطمه ایزدیان، احسان بارانی، سمانه پیرمرادی، زهرا سرداری، علی سعیدی، علی صادق نژاد، شیوا صفری میاندره، زهرا عربی، شمیم کمر بسته
طراحی و صفحه آرایی: علی محمد آغاز، منصور یونسی
ویراستاری: سجاد حسنی، ندا ایمنی
کاریکاتور: سمیه شوقی
چاپ: چاپخانه روزنامه جوان

